۲۹۷/۰۱
۴۵۱۳۱
چاپ شد

سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

اداره مخطوطات

نام کتاب: رساله طریق یقین در لزوم دین بر متدینین

مؤلف: عرب باغی، حسین، ۱۲۵۶ - ۱۳۲۹ ق

موضوع: — زبان: فارسی

سال چاپ: ۱۳۵۲ ه‍ ق محل چاپ: تهران

کاتب: طاهر خوشنویس

طول: ۲۱ عرض: ۱۵ شماره صفحه ها: ۶۸

شماره عمومی: ۲۴۷۶۷ کتابخانه / بخش:

وقفی / خریداری تاریخ:

مصور ☐ درسی ☐ گراوری ☐ افست ☐ خلافت

ملاحظات:
۱- علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق - اثبات
۲- علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق - مدایح و مناقب
۳- احادیث اهل سنت.

٢٩٧/٥١
ر٤٥٦٣

٢٩٧/٥
٤٥١٣

رساله شریفه طریق یقین در اصول دین ترجمه

(بسم الله الرحمن الرحیم)

اَلحَمدُ لِلّٰهِ الَّذی هَدانا اِلیٰ طَریقِ الیَقینِ وَاَرشَدَنا اِلیٰ اِتّباعِ الدّینِ المُبینِ وَنَهانا عَن مُلازِمَةِ الهَویٰ وَالظَّنِّ وَالتَّخمینِ وَاَوجَبَ عَلَینا تَحصیلَ العِلمِ بِشَرایِعِ الدّینِ وَالصَّلوٰةُ عَلیٰ رَسُولِنا وَعَلیٰ سائِرِ المُرسَلینَ الَّذینَ جاؤُا لِهِدایَةِ الاِنسانِ اِلَی النَّشاتَینِ وَعَلیٰ اَوصِیائِهِم وَخُلَفائِهِمُ المُرشِدینَ اِلیٰ صَلاحِ الدّارَینِ وَاللَّعنَةُ عَلیٰ مُنکِریهِم وَمُکَذِّبیهِم مِن اَهلِ الاَرَضینَ (وبعد) چنین میگوید احقر فانی حسین بن نصر الله بن صادق الموسوی عرب باغی عفی الله تعالی عنه وعن والدیه که بطریق یقین از برای مردمان لازم وواجب است که دین واپین بوده باشد وبدون دین زندگانی

چاپخانه ... آستان قدس رضوی
(ویـژه کتـابـخانه)

عموم مردمان در هر زمان بسیار سخت و بد و دشوار است و بغیر از ملازمت این برای ایشان چاره و علاجی زبرای اعاشه و گذران ایشان و خصوصاً ضعفاء و فقراء نخواهد شد و این مطلب عقلی و وجدانی و حتی است و نقلی و حدسی نیست که در آن شک و شبهه باشد و از جهة این مقصود واضح خداوند تعالی از زمان حضرت آدم پدر انسان در هر زمان پیغام آوری فرستاده و دین آورده و همیشه دین در میان مردمان بوده و فرستادن پیغام آوران از زمان آدم تا بزمان حضرت خاتم صلی الله علیه و آله بجهة آوردن دین است برای مردمان تا اینکه عموم ایشان آسوده و آسایش و اعاشه و گذران داشته باشند و متمدن و از حیوانات درنده ممتاز شوند چنانکه خداوند در خصوص حضرت آدم ع فرموده وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً یعنی یاد بکن ای پیغمبر ما آن زمان را که خداوند تو بر ملائکه فرمود که من در روی زمین از جانب خود یکنفر خلیفه قرار میدهم که حضرت آدم ع باشد و در سورهٔ مؤمنین فرموده ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَىٰ یعنی بعد از آن فرستادیم پیغام آوران خودمانرا پی در پی از جهة هدایت مردمان و در سورهٔ قصص فرموده وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ

کتابخانه آستان قدس مشهد
۵۲۸۵۲
تاریخ آبان ۲۲

(بنگرون)

يَتَذَكَّرُونَ يعنى البتّه ما از براى مردمان متّصل نموديم ارشاد وهدايت
وبيانات پيغام آوران را تا شايد مردمان ياد داشته باشند وفرمايشات
ايشانرا ياد بگيرند وعمل نمايند تا اينكه آسايش داشته وآسوده شوند
واز اين آيات واضح شد كه از زمان حضرت آدم ع تا بزمان حضرت خاتم
صلّى الله عليه وآله پيغام آوران درميان مردمان شرق وغرب دين و
دستور العمل ازجانب خداوند آورده وايشانرا بدون آيين نگذاشته
زيراكه پيغام آوران ازجانب خداوند بغير از دستور العمل نيامده اند
وخودسرى بمردمان چيزى نميگويند واز جهت صلاح حال آنها واصلاح
معاش وزندگانى عموم آيين آورده اند واز براى جمع آورى اسباب
اعاشهٔ خودشان نبوده اند ومقصودشان عموم مردمان بوده و
دفع ستم وتعدّى از بيچارگان شده است وخداوند پيغام آوران
اولوالعزم را با آوردن دين ياد كرده چنانكه در سورهٔ شورى فرموده
شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِى اَوْحَيْنَا اِلَيْكَ وَمَا
وَصَّيْنَا بِهِ اِبْرٰهِيمَ وَمُوسٰى وَعِيسٰى اَنْ اَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ
كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ اِلَيْهِ اَللّٰهُ يَجْتَبِى اِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِى
اِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ وَمَا تَفَرَّقُوا اِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا
بَيْنَهُمْ وحاصل معناى آيه اينست اى مردمان بيان وروشن فرموده

خداوند از برای شما از دین واین انچه راکه بحضرت نوح ع سفارش و
امر کرده وانراکه بتو ای پیغام اور ما وحی وامر کرده ام در قران وانچه
راکه بر حضرات ابرهیم وموسے وعیسی سفارش وامر کردم وانچه بایشان
امر کرده ام این بود که اقامه کنید وبپاے دارید دین راکه من بر شما بیان
ووحی کرده ام وپراگنده نشوید واختلاف نکنید در اصل دین که خدا
شناسے واعتقاد بروز قیامت باشد واز برای مشرکان وهوای نفس
خودشان را خدا قرار دهندگان دشوار وگران است انچه شما بوی ان
دعوت میکنید مردمانرا از دین خداوند وبرگزیده میفرماید خداوند
براے دین انکسی راکه میخواهد وهدایت میکند بدین ومتدین بودن
انراکه بجانب خداوند از هواے نفس برگردد وپراکنده نشدند مردمان
واز دین اعراض نکردند مگر بعد از دانستن حق بودن دین خداوند را
که بسوے تو ونازل بر پیغام اوران فرستاده بودیم وپراکنده شدن مردمان
از دین پیغمبران از جهة ستمکارے وتعدی مردمان بوده واز براى
هوا پرستی انها شده نه اینکه ندانسته بودند ویا اینکه دین بانها خبر
داشته واز این ایه شریفه معلوم شد که حضرات نوح وابرهیم وموسے وعیسے
مثل پیغام اور خاتم ص وپیغمبر اخر الزمان ص دین اورده بودند وهمه
ایشان با دین امده اند وبرامت خودشان دین یاد داده اند ودر سوره

بقره فرموده وَمَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ اِبْرٰهِيمَ اِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ تا اینکه
فرموده اِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ اَسْلِمْ قَالَ اَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ وَوَصّٰى بِهَا
اِبْرٰهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ
اِلَّا وَاَنْتُمْ مُسْلِمُونَ وحاصل ترجمه این است که کدام کس است که از طریقه
و شریعت حضرت ابرهیم ع اعراض نماید مگر آنکسیکه نفس خود را ذلیل و خوار
کند و در میان مردمان باو سفیه بگویند و زمانیکه خداوند بحضرت
ابرهیم ع فرمود بفرمایشات و باوامر و حکم خداوند اطاعت کن و در دین
او بوده باش عرض کرد اطاعت میکنم و تسلیم شدم باوامر خداوند عالمیان
و حضرت ابرهیم ع و حضرت یعقوب علیه السلام باولاد خودشان سفارش کردند
که ای اولاد ما بدرستیکه خداوند از برای شما ها دین برگزیده و این
قرار داده پس البته شما ها بدون دین از دنیا نروید و تا وقت مردن
شما در دین خداوند که فرستاده است بوده باشید و بدین خداوند تسلیم
شوید و از خودتان چیزی نگوئید و از این آیه واضح شد که حضرت ابرهیم ع
و یعقوب ع که پدران حضرت موسی ع و حضرت عیسی ع بوده اند باولاد و احفاد
خودشان دین خداوند را وصیت و سفارش کرده اند و ایشان را بر دین پایدار
وادار نموده اند و حضرات موسی ع و عیسی ع از اولاد ابرهیم ع و بعد از آن از
اولاد یعقوب ع و باید ایشان دین داشته باشند چنانکه پدران ایشان

یاد شده و بایشان دینداری را سفارش نموده اند و از این آیات مذکوره معلوم شد
که همهٔ پیغام آوران از حضرت آدم تا پیغمبر خاتم صلّی الله علیه وآله دین آورده اند
و مردمان را به دینداری امر کرده اند و خداوند در چندین سوره در قرآن
دین را ذکر و یاد فرموده چنانکه در سورهٔ نور میفرماید وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا
رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللّٰهِ ودر نصر يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللّٰهِ أَفْوَاجًا ودر توبه
وفتح وصف أَرْسَلَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ و
در بقره وَيَكُونَ الدِّينُ لِلّٰهِ ودر انفال وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلّٰهِ ودر
توبه و یوسف و روم ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ ودر نحل وَلَهُ الدِّينُ
وَاصِبًا ودر زمر أَلَا لِلّٰهِ الدِّينُ الْخَالِصُ ودر اعراف و یونس و عنکبوت
و لقمان و مؤمن و بیّنه مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ودر زمر مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ
ودر ذاریات وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ ودر بقره لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ و
در انفال وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ ودر توبه و احزاب فَإِخْوَانُكُمْ
فِي الدِّينِ ودر توبه لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ ودر حج وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ
فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ ودر ممتحنه عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ و ایضا
عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ ودر یونس وَأَنْ أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ
حَنِيفًا ودر روم فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ و ایضا فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ
الْقَيِّمِ ودر انعام دِينًا قِيَمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا ودر آل عمران و

لَا تُؤْمِنُوا اِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِيْنَكُمْ وَدَرْ كافرون لَكُمْ دِيْنُكُمْ وَلِيَ دِيْنِ وَ
در حجرات قُلْ اَتُعَلِّمُوْنَ اللّٰهَ بِدِيْنِكُمْ ودر نساء ومائده وَمَنْ يَرْتَدِدْ
مِنْكُمْ عَنْ دِيْنِهٖ ودر نساء وَاَخْلَصُوْا دِيْنَهُمْ لِلّٰهِ ودر انعام وَذَرِ
الَّذِيْنَ اتَّخَذُوْا دِيْنَهُمْ لَعِبًا ودر نور يَوْمَئِذٍ يُوَفِّيْهِمُ اللّٰهُ دِيْنَهُمُ
الْحَقَّ وايضا وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِيْنَهُمُ الَّذِي ارْتَضٰى لَهُمْ ودر زمر
قُلِ اللّٰهَ اَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهٗ دِيْنِيْ ودر يونس اِنْ كُنْتُمْ فِيْ شَكٍّ مِنْ دِيْنِيْ و
در بيّنه وَذٰلِكَ دِيْنُ الْقَيِّمَةِ وايضا خداوند تعالے در چندين سوره
اشخاص بے دين را وتغيير دهندگان دين را مذمّت وملامت كرده چنانكه
در سوره توبه ميفرمايد درباره كافران ومنافقان وَلَا يَدِيْنُوْنَ دِيْنَ
الْحَقِّ ودر آل عمران اَفَغَيْرَ دِيْنِ اللّٰهِ يَبْغُوْنَ ودر ارايت اَرَاَيْتَ الَّذِيْ
يُكَذِّبُ بِالدِّيْنِ ودر انفطار كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُوْنَ بِالدِّيْنِ ودر نساء
لَيًّا بِاَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنًا فِي الدِّيْنِ ودر مائده اِتَّخَذُوْا دِيْنَكُمْ هُزُوًا
ودر بقره حَتّٰى يَرُدُّوْكُمْ عَنْ دِيْنِكُمْ ودر توبه وَطَعَنُوْا فِيْ دِيْنِكُمْ ودر
مائده اَلْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْ دِيْنِكُمْ ودر انعام وَلِيَلْبِسُوْا عَلَيْهِمْ
دِيْنَهُمْ وايضا اِنَّ الَّذِيْنَ فَرَّقُوْا دِيْنَهُمْ وايضا غَرَّ هٰؤُلَاءِ دِيْنُهُمْ
ودر اعراف الَّذِيْنَ اتَّخَذُوْا دِيْنَهُمْ لَهْوًا ودر روم مِنَ الَّذِيْنَ فَرَّقُوْا
دِيْنَهُمْ ودر آل عمران وَغَرَّهُمْ فِيْ دِيْنِهِمْ ودر اين پانزده آيات شريفه

بیدین بودن را وطعن کنندگان در دین را و در دین بدون مبالات
شدن را در نهایت مذمّت کرده چنانکه در چهل و شش آیات سابقه اهل
دین را و در دین راست شدگان و دینداران را مدح و تعریف فرموده و
کسیکه دین نداشته باشد و بیدین باشد البته بضلالت و هلاکت و بر افراط
و تفریط واقع میشود چنانکه خداوند در چندین سوره تابع شدن هوی را
مذمّت کرده و او را بضلالت نسبت داده و در سورهٔ ص فرموده وَلَا تَتَّبِعِ
الْهَوٰى فَيُضِلَّكَ و در نساء فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوٰى اَنْ تَعْدِلُوا و در اعراف
وَلٰكِنَّهُ اَخْلَدَ اِلَى الْاَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوٰيهُ و در کهف وَاتَّبَعَ هَوٰيهُ وَكَانَ
اَمْرُهُ فُرُطًا و در طٰه وَاتَّبَعَ هَوٰيهُ فَتَرْدٰى و در فرقان اَرَاَيْتَ مَنِ
اتَّخَذَ اِلٰهَهُ هَوٰيهُ و در جاثیه اَفَرَاَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ اِلٰهَهُ هَوٰيهُ و
در قصص وَمَنْ اَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوٰيهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللّٰهِ و در این
هشت آیات شریفه خداوند تابع شدن هوای نفس را مذمّت کرده
و شخص هوی پرست را بضلالت و افراط منسوب نموده و او را دیندار
قرار نداده و بر دین و دینداری نسبت نکرده و هوای نفس با دین
منافات دارد و دین و خداوند و پیغمبر شناسی با هوی پرستی ضدّ
است بعلت اینکه خداوند و پیغام آوران او چیزی میگویند و دین
قرار داده اند و هوای نفس هر کس چیزی خواهش میکند و دین

صلاح عموم مردم را اقرار میدهد وهوای نفس هرکس چیزی میخواهد ودین
آورندگان از پیغمبران از جانب خدا وندا صلاح زندگانی همه مردم را
میگویند وخواهش نفس هرشخصی اسباب شهوت خود را میطلبد و
در زندگانی دیگران نظر ندارد ودین میگوید که مردمان برادر
باشند وکسی بدیگری برتری نکند وخواهش نفس میگوید باید
من از همه بالاتر باشم ودین میگوید که آرایش فقط کفایت نمیکند
آرایش درون لازم است ونفس میگوید ظاهر لازم است وباطن لازم
نیست دین میگوید هرکه [illegible] بهتر وخواهش نفس میگوید نیکوئی
بدیگران لازم نیست [illegible] است ودین میگوید در
داد وستد وعملکردن [illegible] دیگران را ملاحظه نمود
ونفس میگوید نفع خود را بخصوص [illegible] باید کرد ودین میگوید
باید دستگیری بیچارگان وخویشان را نمود ونفس میگوید بدیگران
کاری ندارم دین میگوید توانگران باید غم بیچیزان را داشته باشند
ونفس میگوید غم دیگران لازم نیست ودین میگوید باید فقراء صبر
بکنند وطمع در مال اغنیاء ننمایند ونفس میگوید چرا صاحب ثروت
مال زیاده داشته باشد ودین میگوید باید کسی دزدی ودغل
کاری نکند ونفس میگوید باید از هرجائی که مال بردست کسی افتاد

زود بر دارد و غارت نکند و دین میگوید باید انسان از حیوان امتیاز
داشته باشد و بغیر از خوردن و خواب کردن و کامرانی نمودن کارهای
دیگر است که بر مردمان بجا آوردن آنها نیز لازم و نباید انسان مثل
درندگان باشد و اذیت بدیگران نماید و خواهش نفس میگوید بغیر
از کامجستن چیزی نیست هر چند یکه باآزار مردمان گردد و دین
میگوید خداوند است و معاد و بغیر از دنیا آخرتی هست و جزای کارهای
خوب و بد است در دار آخرت و بعد از مردن نفس میگوید هر چه هست در
دنیا است و خدا خواهش نفس است و دین میگوید درستی و راستی و دستگیری
از ضعیفان لازم است [illegible] از مال و جان و
عرض و ناموس دیگران دست [illegible] میخواهی بدیگری
نیز بخواهی و آنچه برای خود نه پسندی بدیگران روا نداری و چشم و
طمع بمال و حال کسان غیر از خودت نباشد و خواهش نفس میگوید آنچه
بتوانی بدست بیاور هر چند یکه از دیگران باشد و باآزار مردمان
حاصل شود و همه این جنگها و آدم کشیها و غارتها و خونریزیها از برای
خواهش نفس است و این فتنه و فساد و عناد در بلاد از هوای نفس شده
و دین اذیت و آزار را از میان برداشته و همه را برادر گفته و همه دیگر
مهربان کرده و بنی نوع بشر را یکسان و اخوان نموده و مثل درندگان

وجانوران بجان یک دیگر نیندا خته واگر این فسادها و عنادها و جنگها و
جدالها وغارتها که از خواهش نفس است نباشد جهان و جهانیان و انسان
و بلکه هر حیوان آسوده میشود و آسایش و آرامی و خوشحالی و خوب گذرانی
خواهد دید و این آسودگی بغیر از دینداری و پارسائی درست کار دی
نخواهد شد و تا دامیکه مردمان و جهانیان بدین پیغام آوران و بآیین
ایشان اعتقاد نکنند و [illegible] ایشان [illegible] غارت و آدم کشی و نادرستی
خالص نمیشوند و از این فتنه ها و فسادها [illegible] نخواهند شد و تا وقتیکه
خواهش نفس را [illegible] خویش [illegible] و [illegible] و خدا و پیغمبر خود قرار بدهند
روز بروز فتنه [illegible] و لجاج [illegible] لا ینها زیاد خواهد شد
و مردمان از جان [illegible] هرگز خاطر جمع نخواهد بود
و خیانت و خسارت همه هرگز بسیار [illegible] و امانت و دیانت و درستی
و راستی و صداقت و رفاقت و برادری و برابری از میان مردمان گریزان
خواهد شد و علاج دردها و دواء این بیماریها دینداری و خداپرستی و از
هوای نفس گذشتن و بخواهش نفس اقدام نکردن و از کار درندگان دوری
نمودن و بفرمایش پیغام آوران انقیاد کردن و مطیع امر ایشان بودن است
و این رنجها و تلاشها و این خوفها و اندوهها و غمها و غصه ها و گفتگوها
و جنگها و بدیها و زشت کارها از جهت خواهشات نفس است و هوای

نفس را ستایش کردن وخداوند وروز جزاء را فراموش نمودن است
و دین را از دست دادن و از آن بیخبر بودن و تابع هوی پرستان شدن
است و سخنان بید یانرا باور کردن و دروغ آنها را راست خیال
نمودن و فریب آنها را خوردن و از جزاء اعمال غفلت کردن است
و چونکه دین جمع کننده همه خوبیها و منع نماینده از تمامی زشتی و بد
کارها است پس باید دین را از دست نداده و دیندار را رها نکرده
و از اشغل مهم و بر جمیع کارها مقدم نموده در آن زمان که دین در
روی زمین برقرار بوده [illegible] شیوع داشته و مردمان
در ایران و فرنگستان متدین [illegible] و ضعیف
نوازی و اعانت و صداقت [illegible] و دروغ و دغلکاری
و فتنه و فساد و عناد در بلاد [illegible] آدم فریبی اندک
و کمتر بود و در اشخاص دیندار و در مردمان تقوی شعار دروغ و فریب و
سرقت و غارت و خود پرستی و شهوت رانی و بیرون ساری و اندرون
خرابی نبود و شخص با دین و آدم دیندار وطن دوست و مملکت خواه و
شاه پرست میشود زیرا که شاه رفع فتنه و فساد و دفع عناد از بلاد میکند
و جلوگیری از ظلم و عدوان و طرفداری از مظلومان و ضعیفان مینماید
و از این جهة حضرت پیغمبر ما مسلمانان فرموده اَلسُّلْطَانُ ظِلُّ اللهِ فِي

الأَرضِ یَأوِی إلَیهِ کُلُّ مَظلُومٍ چنانکه سعید بن هبة الله راوندی
در کتاب ضیاء الشهاب از آنحضرت روایت کرده و معنای حدیث شریف
اینست که پادشاه در زمین سایه بلند پایه خداوند است که هر مظلوم باو
پناه میبرد یعنی چنانکه همه مردمان در گرما از آفتاب بر سایه پناه میبرند و از
شدت گرما نجات مییابند همچنین مظلومان بر پادشاه مملکت از شر
طاغیان و غارتگران و ظالم و تعدی کنندگان پناه میبرند و از فتنه و
فساد ایشان در امن و امان میشوند و البته دوست داشتن این شاه و
پرستش این پادشاه از احکام مذهب است و از جمله واجبات مسلمانان است
و شخص دیندار و متدین [illegible] شعار میکند و با او
دوستدار میشود و کسیکه بیدین و نادان و هوی پرست شود و شهوت ران
باشد و مقصود او نفس پروردن و خواهش را بر دین مقدم کند و سود
خود را از زیان دیگران برگزیند و از دزدی و جمع کردن مال از راه دزدی
و دغلکاری و فریب سازی باشد پس آن کس چه کار بوطن و مملکت
خواهی و شاه پرستی دارد و شاه را چگونه دوست میدارد بلکه او در واقع
دشمن شاه و بدخواه شاه است زیراکه شاه از اعمال او جلوگیری میکند و
او را بخیال خودش نمیگذارد و از ظلم و فریب و منع مینماید و طرفدار مظلوم
و عاجز میشود پس واضح شد که شخص بادین شاه پرست و وطن خواه و نوع

دوست است و کس بدون دین و شهوت رانی و نفس پرست شاه
دوست نمیشود و دشمن شاه است و وطن خواه نیست و بنابراین
باید اولیاء دولت و رؤساء ملت مردمان را بدینداری ترغیب
نمایند و جلوگیری از بیدینی کنند و دین را در مملکت رواج
بدهند و هوی پرستی را و شهوت رانی را از مردمان منع و
زجر بکنند تا اینکه همه ایشان شاه دوست باشند و شاه را ظل
الله بدانند و کسیکه بر [illegible] عرق و مسکرات و منهیات مشغول
شود و بر ناموس و عرض دیگران دست درازی کند [illegible] شاه
قیام میکند زیرا که شاه همیشه [illegible] اعمال [illegible] اقدام
مینماید و شاه را سایه خدا و [illegible] پیغمبر آخر
الزمان صلی الله علیه و آله عمل را اعتقاد نمیکند [illegible] و رفتار او بر
هوای نفس خود است و کام جستن خودش خواهد شد و اگر آنکس بگوید
که من شاه را دوست دارم دروغ گفته و فریب داده و مثل او مثل
بعضی از عالم نمایان است که در ظاهر ریش و عمامه و نعلین و رداء
و قباء و عباء و عصاء دارد و در باطن دیندار و خوش رفتار و گفتار
نیست و ضرر او بشرع انور زیادتر و دروغ او بیشتر است و آدم
فریب و دزد عجیب و غریب است و دوست و دشمن دین و شاه از

رفتار وکردار شخص معلوم میشود نه باقوال وگفتار یَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ
مَا لَیْسَ فِی قُلُوبِهِمْ که کار منافقان وعمل تزویر کنندگان است ودر
ظاهر دوست ودر باطن دشمن دین وشاه است پس معلوم شد که شخص
دیندار شاه دوست وشاه پرست ووطن خواه میشود از جهت حدیث حضرت
پیغمبر که اَلسُّلْطَانُ ظِلُّ اللّٰهِ فِی الْأَرْضِ وحدیث حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِیمَانِ
وکسی هوی پرست وشراب [illegible] اند وطن چیست وشاه کیست
وشخص [illegible] باشاه یکدل و [illegible] ترقی خواه میشود وکسیکه دین با
ورق و [illegible] بگو [illegible] راشخاص بادین درمملکت
زیادتر باشند [illegible] درستی ووطن دوستی بیبا
میشود وقتل [illegible] فریب اندك وزحمت پادشاه
کمتر میگردد وشاه ازامورات داخله فارغ ومشغول ترتیب امور خارجه
میشود وروز بروز ترقی وتعالی مملکت ودولت وملت زیاده وارزانی
وفراوانی بیشتر ومردمان در آسایش ومشغول صنایع واخراج معادن
ودرست کردن کارخانجات ازهر قبیل میشود ومخارج اندك ودخل
زیادتر ونظمیه وامنیه درولایات کمتر واولیاء امور آسوده میگردد و
زراعت وفلاحت بیشتر ترقی میکند وشخص دیندار مشغول تحصیل
معاش خود میشود بدون دزدی وآدم فریبی واذیت وزحمت بدیگران

و در این فرض از برای او امنیّه و نظمیّه لازم نمیشود و بلکه او حفظ قانون
دولت را میکند و بملت خیرخواهی و مهربانی مینماید و این نظمیّه و امنیّه
و عدلیّه و بلکه اغلب ادارات لشکری و کشوری از جهة بیدین بودن اکثر
مردمان است پس در مملکت هر دولت دین لازم است و لزوم دین
مثل قشون است و بدون قشون چنانکه ولایات امن نمیشود و بدون
دین نیز در ممالک آسایش فراهم نمیاید شد و دیگر هر کسی یکنفر از
افراد نظمیّه و امنیّه ممکن نمیشود که دیندار از برای مردمان مثل یکنفر
نظمیّه و امنیّه است و بلکه دین از نظمیه نیز مانع است از اعمال شنیعه
و افعال قبیحه و در هر جائیکه نواقص دین بیشتر رواج دارد نظمیّه
در آنجا کمتر و اولیاء و ادارات دولت آسوده است و دزدی و شرارت
و قتل و غارت اندک است و در هر مملکتیکه بیدینی زیادتر و آشکار
است ادارات دولتی در آنجا زیاده در زحمت و مشقّت است و جلوگیری
از ظلم و تعدّی و ادم فریبی مشکل است و چونکه معلوم شد با ثبوت و
ملک آیات سابقه که خداوند بواسطه پیغمبران بمردمان دین فرستاده
و اشخاص بیدین را مذمت کرده و آنها را بر هوی پرستی و خواهشات
نفسانی نسبت داده پس باید دانسته شود که دین را خداوند تعالی تعیین
میکند و دین با دستور العمل خداوند میشود و خداوند در این زمان

دین را تعیین فرموده چنانکه در سورهٔ آل عمران میفرماید اِنَّ الدِّینَ عِندَ
اللّٰهِ الْاِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِینَ اُوتُوا الْکِتَابَ اِلَّا مِن بَعْدِ مَا
جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْیًا بَیْنَهُمْ وَمَن یَکْفُرْ بِاٰیَاتِ اللّٰهِ فَاِنَّ اللّٰهَ سَرِیعُ
الْحِسَابِ یعنی بدرستیکه دین حق در نزد خداوند دین اسلام است
واختلاف نکردند اهل کتاب از یهودیان و مسیحیان در حق بودن
دین اسلام واعراض ننمودند از آن مگر بعد از آمدن علم برای اظهار
حق شدن پیغمبر آخر الزمان و این ترک ایشان همه بغی و ظلم و ستم
ایشان بود که در میان خودشان ظاهر کردند و بآیات خداوند کافر
شدند و هر که بآیات خداوند کافر شوند و معجزات و فرقان رسول او را
قبول نکند پس خداوند بزودی بحساب او رسیدگی کرده و جزای انکار او را
خواهد داد و ایضاً در آن سوره میفرماید وَمَن یَبْتَغِ غَیْرَ الْاِسْلَامِ دِینًا
فَلَن یُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِی الْاٰخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِینَ یعنی هر که بغیر از دین اسلام
از برای خود طلب دین نماید پس هرگز از او قبول نمیشود و علاوه بر این
آنکس در روز جزاء از جملهٔ زیانکاران خواهد شد و در سورهٔ نساء فرموده
وَمَنْ اَحْسَنُ دِینًا مِمَّنْ اَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ اِبْرٰهِیمَ
حَنِیفًا یعنی دین کدام کسی خوبتر است از دین آنکسی که روی قلب خود را
بخداوند بگرداند و اسلام واقعی داشته باشد و در حالتیکه بعد از

اسلام آوردن نیکوکار باشد و بر ملت حضرت ابراهیم تابع شود که دین او

حنیف بوده واز باطل بحق میل کرده بود واز هوی پرستی اعراض نموده بود

و در سورهٔ مائده میفرماید اَلْیَوْمَ اَکْمَلْتُ لَکُمْ دِیْنَکُمْ وَاَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ

نِعْمَتِی وَرَضِیْتُ لَکُمُ الْاِسْلَامَ دِیْنًا حاصل ترجمه این است که امروز

که روز غدیر خم است دین شما را کامل نمودم و نعمت خود را در حق شما

تمام کردم و راضی شدم بدین شما که دین اسلام است و در این چهار ایات

خداوند تعالی دین خود را منحصر فرموده بدین اسلام و غیر از دین

اسلام دین دیگر را قبول نفرموده و بدین غیر از اسلام را بخسران و زیانکاران

نسبت داده و حضرت امیر المؤمنین [illegible] در خطبه [illegible] فرموده

اَلْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُوْنَ مِنْ لِسَانِهٖ وَیَدِهٖ اِلَّا [illegible] وَلَا یَحِلُّ

اَذَی الْمُسْلِمِ اِلَّا بِمَا یَجِبُ بادرو [illegible] مسلمان آنکسی

است که سائر مسلمانان از زبان و دست او در سلامتی باشند و

بر کسی آزار و اذیت نکند و با زبان و دست خود بر هیچکس ضرر نرسانند

مگر بحقانیت و حق بودن اذیت در حق کسی و حلال نیست آزار

مسلمان مگر اینکه واجب شود آزار کردن بر او از جهة ظلم و تعدی و

تجاوز او بحق کسی و بشتابید بر بجا آوردن امور اینکه صلاح همهٔ

مردمان در آنست و مصلحت آن بعموم راجع است نه بر شخص هر یکی از

شما را و در خطبه دیگر فرموده وَکَانَ مِنْ نَفْسِهِ فِي شُغْلٍ وَالنَّاسُ
مِنْهُ فِي رَاحَةٍ یعنی مسلمان آنکس است که نفس خود را در یك شغلی
و زحمتی وادار بکند و مردمان بسبب او در راحت باشند یعنی همهٔ
منافع کارهای او راجع بخودش نباشد و بلکه سائر مردمان از افعال
او در راحت بشوند و همهٔ عملهای او از جهت شهوت رانی و هوای نفس
پیوسته نباشد و آنحضرت در این چند کلمه اصل اسلام را و مسلمان واقعی
را بیان فرموده و در کتاب شهاب از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت
کرده که فرموده کَيْفَ تَكُونُ مُؤْمِناً وَالنَّاسُ لَا يَأْمَنُونَ شَرَّكَ وَكَيْفَ
تَكُونُ مُسْلِماً وَالنَّاسُ لَا يَسْلَمُونَ مِنْ يَدِكَ وَلِسَانِكَ وَكَيْفَ تَكُونُ مُتَّقِياً وَ
النَّاسُ يَتَّقُونَ أَذَاكَ یعنی چگونه ایمان داری و حال اینکه مردمان
از شر تو خاطرجمع نمیشوند و چطور تو مسلمان میشوی درحالیکه از
شر تو سائر مسلمانان در سلامت نمیباشند و چه سان پرهیزکاری
درصورتیکه مردمان از اذیت و آزار تو پرهیز میکنند الْمُؤْمِنُ مَنْ أَمِنَ
جَارُهُ بَوَائِقَهُ یعنی شخص خداوند شناس و با ایمان آنکس است که
همسایگان او از آزار و اذیت او خاطرجمع باشند و فرموده سه خصلت
است که هرکس با آنها بخداوند ملاقات نماید پس آنکس از افضل مردمان
خواهد بود اوّل آنکه کسیکه واجبات خداوند را بجا آورد از عبادت

کنندگان است دوّیم آنکه هرکه پرهیز کند از حرامهای خداوند پس
ورع او زیادتر است وسیم آنکه هرکه قناعت بکند بآنچه از حلال خداوند
باو داده پس او از غنی ترین مردمان است وسه خصلت از بهترین اخلاق
است در دنیا و آخرت عفو کردن از کسیکه بر تو ظلم کرده و صله نمودن
بر کسیکه از تو قطع صله نموده و حلم کردن بر کسیکه بر تو جهل کرده وسه
خصلت از حقیقت ایمان است [illegible] تقدّم کردن و با مردمان
بانصاف رفتار نمودن [illegible] بر دیگران [illegible] و اقایان
مردمان در دنیا سخاوت کنندگانند [illegible] پرهیزکارانست
و صلهٔ ارحام بکنید هرچند [illegible] سلام دادن باشد و صلهٔ ارحام و حسن
خلق ایمان را زیادتر میکند و [illegible] کان مال شخص را
بسیار مینماید عدالت کردن یک ساعت [illegible] مردمان خوبتر است
از عبادت هفتاد سال و شما بحسن خلق باشید و حسن خلق لامحاله در
جنّت است و بدخلق نباشید و شخص بدخلق لامحاله در دوزخ است
و تعجّب میکنم از کسیکه تکبّر و کبریائی میکند و حال آنکه دو مرتبه از بول گاه
پدر و مادرش بیرون شده و حق را بگوئید هرچند یکه ضرر شما در آن
باشد و بشاش باشید و خداوند بشاش را دوست میدارد و عبوس
نباشید که خداوند او را دشمن دارد و مردیکه زن اموران او را

تا بینه میکند ملعون است و چنانکه آتش نان خرا میسوزد همچنان جزا داده
میشود و اگر یک کوه بر کوه دیگر تعدی بکند خداوند تعدی کننده را
خراب میکند و از من نیست کسیکه فریب بدهد و از من نیست کسیکه
مسکر بخورد و مسکرات اصل جمیع زشتیها است و اساس تمامی گناهان
است و اگر اهل آسمان و زمین در قتل یک نفر مؤمن شریک باشند خداوند
همه آنها را بدوزخ میبرد و هر که بنای ظلم را بنا نماید خداوند ظالم را
باو مسلط میکند و هر که مال یک نفر را دزدی ببرد آنکس در عمل
آنها شریک است و هر که بنای خیری بگذارد اجر آن و عمل
کننده آن باو میرسد و هر که بنای شری بگذارد جزاء آن و جزاء آنکه
بآن عمل میکند باو خواهد رسید [illegible] خود مهلت بدهد
از برای هر روز او خداوند ثواب صدقه میدهد و هر که کارهای خوب
او شاد نماید و کارهای بد او غمگین بکند آنکس خداوند شناس است
و هر که عیال خود را ضایع بگذارد و مهمل شود ملعون است نظر کردن
مؤمن بروی برادر مؤمن خود بادوستی و مهربانی عبادتست و جهالت
فقر باشد تا است و هیچکس دیگری را از جای او بلند نکند از برای
نشستن خودش و عیوب مردمان را جستجو نکنید و خوبیهای ایشان را
جستجو نمائید و مال دنیا در نزد کسی جمع نمیشود مگر با پنج خصلت

بد بخل باشدت وطول آرزوی وقطع رحم وزحمت زیاده وعقده
داشتن دنیا بر آخرت ودر معصیت خالق برای مخلوق اطاعت نیست
وحلال نیست قهر کردن مؤمن از برادر مؤمن خود زیاده تر از سه روز
وهر که زودتر آشتی کند اول او داخل جنت میشود وبخالت وایمان
در قلب مؤمن جمع نمیشود ودر حرام شفا نیست وحلال نیست مال مسلمان
مگر با رضای قلب او وایمان ندارد کسیکه امانت ندارد ودین ندارد
آنکه بر عهد واجب خود وفا نکند وخیانت مکن بکسیکه بتو خیانت
کرده زیرا که تو مثل او خواهی شد وهم مجلس نشو با شارب خمر ان
زیرا که لعنت خداوند وقتیکه نازل میشود همه اهل مجلس را میگیرد
وهیچ مال بافایده تر از عقل نیست [illegible] وبد از آن قویسیکه زن
بآنها رئیس شود وحضرت امام [illegible] دوست نمیدارد مگر
آن کسیکه ولادت او از نطفهٔ حلال باشد وعزت مؤمن غنی بودن
اوست از مردمان وبهترین شخص است آنچه از مردمان احسان کرده
تا اینکه اظهار نماید واز برای هر جگر سوخته شده اجر است وبدترین خلق
آنکس است که آخرت را بدنیا بفروشد وبدتر از او آنکس است که آخرت
خود را بدنیای دیگری بفروشد وراحت شدن انسان در حفظ
کردن زبان است ودوستی دنیا سر هر خطا است واگر همهٔ گناهان [illegible]

بیگانه باشد، کلید الخنا منکرات است و یاد قسم دروغ و بلا یا تراخی به
سیه‌گین دارد. و صدقه دادن دفع میکند مردن بد را و صدقه ده حسنه
دارد و قرض دادن هیجده حسنه دارد و زحمت کشیدن در کسب حلال
برای عیال خود مثل جهاد کردن است در راه خداوند و عبادت بدون
بصیرت مثل راه رفتن است در غیر راه و عالم آنکس است که فعل و قول
او را تصدیق بکند و احمق آنکس است که نفس او تابع هواهای او باشد و از
خداوند آرزو بکند [illegible] ولایت روز بهی زاده میشود و
احتکار و حبس کننده غله ملعون است، و جنت در زیر قدم مادران است
و صلح و آشتی کردن در میان مردم [illegible] جایز است مگر آن صلحیکه
حلال کند حرام را و حرام کند حلال را و عاق والدین و شخص
دیوث بوی جنت را استشمام نمیکند و اجرت اجیر را قبل از خشک
شدن عرق پیشانی او بدهید و محبوبترین شما بر خداوند تعالی خوبترین
شما است از جهت اخلاق و بدترین شما در نزد خداوند سخن چین شما
است و افضل اعمال با زیاده بودن زحمت آنست و از برای دنیا چنان
کار بکن در محکمی و درستی که گویا تو در دنیا همیشه خواهی بود
و از برای آخرت چنان کار بکن که فردا خواهی وفات کرد و خوبیهای
مردگان را یاد بکنید و زمانیکه روزه باشید گوش و چشم و زبان

شما روزه داشته باشد و نه جزء روزی در تجارت کردن است و سه چیز
قلب را با قساوت میکند شنیدن لهو و خوانندگی و شکار کردن و
رفتن بدر خانهٔ امراء بدون حاجت مؤمن و رفتن بجنت با اکراه کردن
نفس است باعمال خیر و رفتن بدوزخ با بجا آوردن خواهشات نفس
میشود و اموال خود را با دادن زکوة حفظ بکنید و ترک بکنید آنچه را
که شما را بشک آورد و بجا آورید آنچه را که در آن شک نیست و امانت را
رد بکن بانکسیکه بتو داده است و خیانت مکن بکسیکه بتو خیانت کرده
سر عقل با محبت رفتار کردن است با مردمان و آقای قوم خدمتکار
ایشان است و دو صنف [illegible] اگر [illegible] شوند جمیع مردمان صالح
میشوند و اگر فاسد باشند [illegible] شد یکی علماء
و دیگری امراء و نظر کردن بروی [illegible] ازبرای مؤمن و عذاب
قبر از جهت سخن چینی و غیبت و دروغ گفتن میشود و غیرت مرد ایمان
است و غیرت زن کفر است و بگریز از شخص جذام دار چنانکه از شیر
میگریزی و هرکه در قرآن بدون علم بمعنای آن چیزی بگوید جای خود را
در دوزخ اخذ بکند و هرکه بدون علم فتوی بدهد ملائکهٔ آسمان
و زمین باو لعنت میکند و هرکه تحصیل علم نماید از جهت مباهات بر
سفهاء و یا مجادله بعلماء و یا ازبرای دعوت مردمان بخودش پس او

از اصل دوزخ است و هلاکت شخص در سه چیز است در شکم و در فرج
و در زبان او است و هلاک میشود کسیکه قدر خود را نداند و از حد
خود تجاوز بکند و شخص پیر میشود و در او دو خصلت جوان میشود یکی
حریص شدن بجمع کردن مال و دیگری درازی آرزوی او و ترک بکن سؤال
کردن را از مردمان زیرا که سؤال ذلت حاضر است و فقر عجله کننده و حساب
طولانی در قیامت است و عملها از نیتها میشود و مجالس را امانت است و
مستشار امین است و توبه بجا آوردن از پشیمانی و جماعت رحمت و افتراق
عذاب است و کسب شخص با نزد او است و ... کردن عار است و تدبیر
امورات زندگی نصف معیشت است و دوست گردیدن نصف عقل است
و برکت با پیران شما است و ظلم کردن ظلمات میشود در روز قیامت
و بهشت در جهاد و ... کردن ... سلام گفتن تحیه ملت اسلام
است وای بکسیکه خیر خود را بعیال خود بگذارد و شرش را بخداوند
ببرد و هر چیزیکه از برای خداوند داده شود صدقه است و هر گفتار
خوب صدقه است و خوبی اسلام شخص ترک کردن فعل و قول بدون
فایده است و هر که تواضع بکند خداوند او را بلند میکند و هر که
تکبر نماید خداوند او را خوار میکند و هر که در حفظ مال خود و عیال
و اولاد خود کشته شود پس آنکس شهید است و هر که دارا اعمال خوب

اگر باور بکند نسب او فائده نمیکند باو و اینها از جمله فرمایشات حضرت
پیغمبر ما است که در مکارم اخلاق فرموده و در حدیث بسیار مشهور
فرموده که من مبعوث شدم از جهة تمام کردن مکارم اخلاق یعنی پیغمبران
سابق هر چه بیان کرده اند خوب و باقی را من بیان میکنم و تمام خواهم کرد
و در واقع دین اسلام مکارم اخلاق است و در این دین چیزی فرو گذار
از مکارم اخلاق نشده است و هر کس [illegible] اخلاق او خوب باشد
و در میان مردمان بخوبی شناخته شود اسلام خوب شناخته باشد و با احکام
اسلام عمل او زیادتر گردیده هر کس بخواهد با شخص خوب اخلاق رفیق
شود و با او وصلت بکند [illegible] باید هم جنس باهم متفق
بشود باید او یکنفر مسلمان [illegible] مسلمان و مسلمان
عمل کننده باحکام اسلام باشد [illegible] اسلام زیادتر
باشد آنکس خوب اخلاق و بهتر خواهد شد در هر دین بوده باشد
و هر که باشد از عالم و سید و خان و گدا و تاجر و عمله و هر که عمل او بدین
اسلام کمتر شود خلق او و رفتار و گفتار او بد خواهد شد و هر که
هیچوقت بر احکام اسلام عمل نکند اعمال و افعال و اقوال او بدتر
و زشتتر خواهد شد هر کس باشد و در هر دین شود و به هر چه اعتقاد
و عمل بکند و یا نکند و از آنکس باید اجتناب نمود و او را وحشی دانست

واز تمدن دور کرد چه ایرانی باشد ویا اروپائی شود وتمدن واخلاق
خوب ورفتار مرغوب در کلمات وفرمایشات قصار حضرت رسول الله صلی
الله علیه وآله است که از آنها جمله ذکر شد ومثل کلمات آنحضرت است فرمایشات
قصار حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که سنی وشیعی از آن بزرگوار روایت
کرده اند از آنجمله فرموده که خوبترین ثروت عقل است وبزرگترین فقر حماقت
است وبدترین وحشت‌ها خودپسندی است وبهترین حسب حسن خلق است ودوری
بکن از رفاقت کردن با مرد احمق زیرا که او اراده میکند که بتو نفع رساند پس
ضرر میرساند وبپرهیز از رفاقت نمودن با بخیل زیرا که او در وقت
احتیاج تو از تو دوری میکند وبپرهیز از رفاقت فاجر وبدین زیرا که
او ترا بچیزهٔ حقیر میفروشد وبپرهیز از رفاقت کردن با دروغگو زیرا
که او مثل سراب است که دور را نزدیک ونزدیک را دور نشان میدهد
وفرموده شما را وصیت میکنم به پنج چیز که اگر در طلب آنها سوار شتر بشوید
وبگردید لیاقت دارد وامیدوار نشود البته کسی در کارهای خود مگر بخداوند
وکسی نترسد مگر از گناه خود والبته کسی حیا نکند زمانیکه سؤال شود از
او از آنچه نمیداند بگوید من نمیدانم والبته حیا ننماید از یاد گرفتن چیزیکه
نمیداند از او برشما باد صبر کردن زیرا که صبر از ایمان مثل سر است از جسد
ودر جسد فایده ندارد بدون سر پس ودر ایمان خیر نیست بدون صبر

کردن و فرموده تعجب دارم از بخیل عیش میکند در دنیا مثل فقراء و حساب
میدهد در آخرت حساب اغنیا را فقر را از برای خودش حاضر میکند و حال
اینکه از آن گریزان بود و فوت میشود از او غنی بودن که آنرا طلب میکرد
و تعجب دارم از متکبر که دیروز نطفهٔ گندیده بود و فردا جیفهٔ گندیده
خواهد شد و تعجب میکنم از کسیکه در وجود خداوند شک میکند و حال
اینکه او مخلوقات خداوند را می بیند و تعجب دارم از کسیکه مرگ را فراموش
میکند و حال اینکه مردگان را میبیند و تعجب میکنم از کسیکه نشأهٔ آخرت را
انکار میکند و حال اینکه نشأهٔ دنیا را میبیند و تعجب دارم از کسیکه دار
فنا را آباد میکند و دار بقا را [illegible] میکند و [illegible] فرموده ای جابر برپا
شدن دنیا و دین با چهار کس است عالمیکه علم خود را استعمال بکند
و جاهلیکه از یاد گرفتن گردن نکشد و غنیکه در احسان کردن
بفقراء بخل ننماید و فقیریکه دین را بدنیا نفروشد و زمانیکه عالم علم
خود را ضایع نماید و جاهل تن زنی میکند از یاد گرفتن و وقتیکه غنی
بخل کند از احسان کردن فقیر دین را بدنیا میفروشد و هر کسیکه ثروت
او زیادتر شود حاجت مردمان باو زیاده میشود و کسیکه قیام نماید بادا
کردن آنچه خداوند براو واجب کرده نعمت و ثروت او دوام میکند و اگر
واجبات ثروت را ضایع بکند نعمت از او زایل میشود و فرموده قیمت

هر کس آنچه است که از او خوب میکند از قول و فعل و رفتار و گفتار و هلاک نمیشود آنکه قدر خود را بشناسد و شخص در زیر زبان خود مخفی است و بعد از گفتن ظاهر میشود و منت بگذار بر هر که میخواهی تا آقای او باشی و محتاج شو بر هر کسیکه خواهی تا اسیر او باشی و غنی باش از هر که باشد تا اینکه مثل او بوده باشی و حجاج ثقفی بر چهار نفر از علماء و فضلاء اهل سنت نوشت که حسن بصری و واصل بن عطا و عامر شعبی و عمرو بن عبید باشند و از آنها از قضا و قدر سؤال کرد هر یکی در جواب نوشت که نمیدانم در اینمسئله مگر آنچه امیر المؤمنین علی بن ابیطالب فرموده که آیا گمان میکنی آنخداوندرا که ترا منع نموده بعد از آن ترا عذاب نماید و ترا بر کارهای بد و زشت اغواء کرده [illegible] اند از آنها بری است و دیگری نوشت آنحضرت فرموده که [illegible] معصیت و کار زشت حتم باشد پس عذاب کردن خداوند بر آن ظلم میشود و خداوند ظلم نمیکند و دیگری نوشت که آنحضرت فرموده بر آن کاریکه بخداوند حمد و ثناء میکنی از خداوند است که بتو توفیق داده و از هر فعلیکه از آن استغفار بکنی پس آن از تو است و چهارمی نوشت که آنحضرت فرموده که آیا تو گمان میکنی آنخدا و یکی راه خیر و شر را بتو وسعت داده و سر راه خیر و خوبی را بتو گرفته باشد و چونکه این جوابها بحجاج ثقفی رسید گفت خداوند انهارا بکشد

اینجا ایشان را از چشمهٔ صاف بر داشته اند واین حدیث را مرحوم کراجکی
در کنز خود روایت کرده ودر نهج البلاغه فرموده که اکثر شغل واهتمام تو
از برای عیال واولاد نباشد زیرا که ایشان اگر دوست خداوند باشند
پس خداوند دوست خود را ضایع نمیگذارد واگر ایشان از دشمنان خدا
باشند پس از برای ایشان با زحمت ومشقت مال جمع اوری مکن وفرموده
هر کسیکه گفتگوی او نرم شود محبت او در دلهای مردمان ثابت میشود وهر که
قدر نفس خود را بداند هلاک نخواهد شد وهر که از جهت کسب حلال
نماید خداوند از او راضی میشود وفرموده بدرستیکه مثل دنیا مثل مار
است که نرم است مس کردن ان [illegible] پس اعراض بکن
از زیاده کردن اموال ان [illegible] بکمال خاطر
جمع شدن از دنیا در نهایت [illegible] هر قدر در
سرور باشد زیاده بان غمگین خواهد کرد او را وفرموده بدانکه کسب
نخواهی کرد زیاده تر از قوت خود مگر اینکه تو در ان زیاده تر خزینه دار
خواهی شد بغیر از خودت ودر ان زیاده تر زحمت تو زیاده میشود ووارث
تو لذت خواهد کرد وحساب تو در قیامت طولانی خواهد شد وتو سعادت
اخذ بکن بمال خود در حیات خودت وچیزی بفرست بروز آخرت خود که
توشه باشد در راه خود وبدرستیکه سفر تو دور تر است وقیامت

وعده گاه و محل نازل شدن یا بهشت است و یا دوزخ و فرموده ای
جماعت مردمان بدرستیکه دنیا دار گذشتن و آخرت دار قرار است
پس اخذ بکنید از دار گذشتن برای دار قرارگاه خودتان و پرده عرض
و ناموس خود را پاره نکنید در نزد خداوندیکه اسرار شما را میداند و خارج
بکنید قلب خود را از دنیا قبل از انکه بدن شما از آن بیرون شود و در دنیا
بشما امتحان داده شده و از برای غیر آن خلق شده اید و زمانیکه کسی وفات
کرد مردمان میگویند چه قدر مال بعد از خود باقی گذاشته و ملائکه
گویند چه قدر اعمال خیر پیش فرستاده بعضی از اموال خود را برای آخرت
بفرستید و همه را بعد از خود باقی نگذارید که برای شما وبال شود و فرموده
ای جماعت بدرستیکه [illegible] در پیش روی شما است و در پشت سر شب و روز
شما را میرانند تا اینکه شما را بمردگان رسانند پس شما سبکبار شوید از
علایق دنیا و گناهان تا اینکه بدون زحمت بگذشتگان سبکباران
برسید و ایشان بشما انتظار دارند و فرموده اگر شما به بینید آنچه را که
مردگان دیده اند البته جزع و فریاد و بیقراری میکنید و موعظه میشنوید
و اطاعت خداوند را میکنید و از اعمال قبیحه دوری مینمائید ولکن
پوشیده شده از شما آنچه مردگان دیده اند و بعد از اندک زمانی پرده
برداشته میشود و هر اینه شما خوب و زشت را از اعمال دیدید اگر بصیرت

داشته باشید و شنیدید، اگر گوش شنوا دارید و شما را با فعال خوب و
کردار مرغوب هدایت کردند اگر هدایت بیابید و فرموده ای مردمان
از دو چیز از برای شما بیشتر میترسم یکی هوی پرستی و دیگر درازی آرزو اما
هوی پرستی پس شما را از حق پرستی باز میدارد و اما درازی آرزوی
پس آخرت را فراموش میکند و آگاه شوید که دنیا پشت کرده و تند و تیز
میرود و چیزی از آن نمانده مگر مثل آنکه در ته کاسه بعد از ریخته شدن
آن میماند و آخرت رو آورده و شما از برای هر یکی از دنیا و آخرت اولاد
است پس شما از اولاد آخرت باشید و از اولاد دنیا نشوید هر ولد بمادر
خود بسته میشود در قیامت و امروز عمل است و حساب نیست و در قیامت
حساب است و عمل نیست و فرموده اند بیشک [illegible] مثل هستند در
لزوم عمل با آنها و خوبترین [illegible] کنند این حیله
کردن است و حیله نمیکند کسیکه قیامت را بداند و ما در زمانی واقع
شدیم که اکثر اهل آن حیله را دانائی و سیاست اخذ کرده اند و مردمان
جاهل و نادان اهل حیله را دانا و صاحب سیاست میدانند خداوند
آنها را بکشد چرا فریب و حیله را خوب خیال بکنند و حال اینکه خداوند
از آن منع و نهی کرده و از برای مرد زشت و بد است و بد اخلاقی است و
شخص کامل و با تمدن و با تدین حیله را ترک میکند بعد از قدرت بآن و

فرصت را از دست نمیدهد در حیله کردن کسیکه دین نداشته باشد
و بد اخلاق و غیر متمدن شود و فرموده هرکه در دنیا صاحب بصیرت و با
هوش و شعور باشد عیب دنیا را میبیند و هرکه چشم خود را بدنیا بدوزد
او را دنیا کور و بدون بصیرت میکند و فرموده زمانیکه تو در هر روز
از عمر خود بر عقب میروی و مرگ تو روز بروز جلو میآید پس بزودی بر همدیگر
ملاقات خواهد شد و [illegible] است اولاد آدم را که اجل او نوشته
شده و تغییر پذیر نیست و دردهای او [illegible] و راز او در پرده است و
اعمال او یک یک محفوظ شده است و فردا جزای اعمال خواهد رسید و
فرموده که سزاوار نیست از برای مردمان [illegible] شدن بلامتی و بر
صاحب ثروت بودن و [illegible] سلامت شدن بر مرض
مبتلاء میشوند و [illegible] میگردند و فرموده سفارش
میکنم بشما پرهیزکاری را و اجتناب کردن را از کارهای زشت و بد که پرهیزکاری
توشه خوب است و بازگشت انسان بآن است و توشه است که شخص را
بمنزل و مقصد میرساند و بازگشت است که انسان از نجات میدهد از هلاکت
و فرموده و گویا آنچه در دنیا بوده است در اندک زمانی نبوده است و
گویا آنچه در آخرت است از جزاء اعمال و اقوال و از خیر و شر در این نزدیکی
واقع است و فرموده باید مشغول شود آن کسیکه جنت و دوزخ در پیش

روه است ویکی باشتاب سعی میکند در کارهای خوب نجات یابد و
دیگری طالب نجات است از اعمال دوزخ و مهمل است وامیدوار میشود
ویکی تقصیرکار است در اعمال خیر واو در دوزخ است وفرموده آیا
ندیدید اهل دنیا را که صبح وشام میکنند در حالات مختلف که یکی میمیرد
وباو میگریند ویکی تسلیت میدهند ویکی زخم دار و مبتلا بمرض میشود
ویکی متولد میشود ودیگری در حال احتضار است ویکی طالب دنیا است و
مرگ نیز در طلب او است ویکی در غفلت است از مرگ و مرض و آفات و
بلیات واز او در غفلت نیست مرگ و مرض و بلا و آفات و فرموده چه
بسیار نزدیک است زندگان به مردگان زیرا که زنده به مرده لاحق میشود و
چه قدر دور تر است مردگان از زندگان زیرا که مردگان از زندگان
قطع علاقه کرده اند وفرموده چگونه بیان کنم حال دنیا را که اول آن
زحمت و درد وغم است وآخر دنیا فنا است و در حلالش حساب و در حرامش
عقاب است وهرکه غنی شود بر فتنه و فساد واقع میشود وهرکسیکه فقیر
است محزون وغمگین میگردد وهرکه در آن جد و جهد میکند از او
فوت میشود وهرکسیکه از آن اعراض نماید بطرف او میاید وفرموده بدرستیکه
دنیا محل چشم دوختن کور است وبغیر از دنیا شخص کور چیزی نمی بیند
وصاحب بصیرت وچشم بینا بغیر از آن چیزی دیگری ببیند ومیداند که

خانهٔ اصلی در انظر نیست وشخص با بصیرت از دنیا واز اموال حرام آن می
گذرد وکسی کور باطن چشم خود را فقط بدنیا اندازد وبغیر از آن چیزی
نبیند وشخص با هوش وشعور از آن توشه بردارد وکسی بدون بصیرت
وهوی پرست از برای هوی وشهوت رانی دنیا را جمع میکند وفرموده
خداوند لعنت کند بانکسانیکه امر بمعروف میکنند وخودشان عمل
بمعروف نمینمایند وبرای اغیار نهی از منکر مینمایند وخود آنها منکرات
ترك نمیکنند وفرموده که کلام در بند تو است مادامیکه نگوئی
وزمانیکه گفتی تو در گرو گفتهای خود میباشی وفرموده خداوند در
قیامت مردمانرا دو صنف قرار میدهد بعضی از ایشانرا احسان میکند و
بر دیگری عذاب وعقاب از اعمال ایشان میکند واما اهل الطاعة پس
ایشانرا در جوار رحمت خود ثواب میدهد ودر جنت کرامت خود مخلد
میکند واما اهل معصیت پس آنهارا در جای بسیار بد ساکن وحبس
مینماید ودست آنها بگردن ایشان بسته میشود وفرموده توحید
این است که خداوند را خیال نکنی وعدل اینست که او را متهم ننمائی
واز امثال این کلمات قصار آنحضرت در نهج البلاغه وشرح ابن ابی
الحدید بسیار است ودر ناسخ التواریخ سیزده هزار وششصد و
بیست وهشت از فرمایشات حکمت آن بزرگوار نقل کرده که هر کدام

از آنها فایده دارد و مشتمل است بر حکمت و فلسفه و در آنها است اصل تمدن
و تدین و مکارم اخلاق و حسن رفتار و گفتار و مرغوب افعال و اقوال
و زندگانی دنیا و آخرت و خوب بودن انسان و امتیاز اوصاف او از حیوان
و شناختن مردمان از درندگان و مظلومان از ظالمان و بالجمله
اساس اخلاق و رفع نفاق از اهل آفاق و تمدن و آدم شدن و انسان
بودن و خوش خلق گردیدن و با مردمان خوش رفتار کردن و مرغوب گفتن
و بر زیردستان اعانت و احسان نمودن و از هوای نفس گذشتن در
فرمایشات آنحضرتست و آنچه در اینجا ذکر شد یک نمونه از هزارها
یکی است مثل فرمایشات حضرت رسول صلی الله علیه و آله که غالب آنها
در جلد هجرت ناسخ ذکر شده و حکمتها و فلسفه‌ها و دقیقه‌ها و لذتها و
کمالها و ترقیها و تعالیها و خوبیها و تمدنها و اخلاقها و رفتارها
در آن فرمایشها موجود است که اگر کسی یکی از هزارها از آنها عمل نماید
اصل تمدن را و اساس تدین را در یابد و صاحب اخلاق حسنه و اوصاف
شریفه و آداب مرغوبه و در میان مردمان انسان و ممتاز از حیوان و
مثل گوسفندگان در بین درندگان میشود و هر که عمل او بفرمایش
آنحضرت زیادتر شود اخلاق او خوبتر و تمدن او بیشتر و انسانیت او
بیشتر خواهد شد و آدم کامل و فرد فاضل و شخص عاقل در آداب اخلاق

خوب غير با عمل خواهد گرديد و آنچه از فرمايشات حضرت رسول الله صلى
الله عليه و آله در اين مختصر ذكر شد اندكى بود از بسيار و يكى شد
از هزار و ايمان و دين و تدين و تمدن و اسلام در آنها است و اسلامى
كه آنحضرت آورده و دينى كه بيان كرده آنها بود كه جامع جميع كمالات
و مشتمل بتمامى محسنات و از اين جهت خداوند در چهار آيات آخر
دين را از اول منحصر فرمود بدين اسلام يعنى از دين اسلام دين ديگر را
قبول نفرمود و از دين اسلام راضى شد و از غير اين راضى نگرديد و در
اينجا چند حكم از احكام اسلام از قرآن ذكر شود در سوره مائده فرمود
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ
مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ يعنى اى آن
كسانيكه خداوند را ميشناسيد ايمان آورده ايد بخداوند تعالى
زاد بد رستيكه تمامى مسكرات و قمار بازيها و آنچه ذبح شود بنام
بتها و آن قدحهائيكه با آنها قسمت ميكنند كه يكنوع قمار است همه
اينها پليد و زشت است و از عمل شيطان است و از اعمال و افعال
انسان نيست تا چه رسد بشخص متمدن و آدم با تدين پس شما دورى
بكنيد و كناره جوئى نمائيد از آنها شايد كه شما رستگار باشيد و
رستگارى در دور بودن از آنها است و دورى كردن از اينها كه معنا

اجتناب است دلیل بر این است که شخص باید ابدا بمسکرات وقمار آلوده
نباشد ودست نزند ونخورد وبازی نکند ودر خانه اش نباشد ودر
لباس وبدنش نشود والا اجتناب صدق نمیکند ودوری نخواهد شد
وازاینجا علماء میگویند که مسکرات بادلالت قرآن نجس است ودر سوره
انعام فرموده قُل لا اَجِدُ فیما اُوحِیَ اِلَیَّ مُحَرَّمًا عَلیٰ طاعِمٍ یَطعَمُهُ
اِلّا اَن یَکُونَ مَیتَةً اَو دَمًا مَسفُوحًا اَو لَحمَ خِنزِیرٍ اَو فِسقًا اُهِلَّ
لِغَیرِ اللهِ بِهِ وحاصل ترجمه آیه این است که ای پیغام آور ما بگو
بمردمان که من در آنچه وحی شده بسوی من نمی یابم طعام حرام شده را در آنچه بمن
خداوند وحی فرستاده مگر اینکه آن طعام میته یا خون جهنده یا
گوشت خوک ویا آن حیوانی که بنام غیر خدا ذبح شود واین چهار
نوع از طعامها حرام است بوحی خداوند وایضا در آن سوره میفرماید
قُل تَعالَوا اَتلُ ما حَرَّمَ رَبُّکُم عَلَیکُم اَلّا تُشرِکُوا بِهِ شَیئًا وَبِالوالِدَینِ
اِحسانًا یعنی بگوای پیغمبر ما بجمیع مردمان که بیائید بشما آنچه را که
خداوند حرام کرده بگویم اولا بخداوند چیزیرا شریک قرار ندهید و
بر توحید اقرار بکنید ودر ثانی بر پدر ومادر خودتان خوبی نمائید
وبر ایشان اذیت وضرر نرسانید که حرام است آزار دادن بایشان
وَلا تَقتُلُوا اَولادَکُم مِن اِملاقٍ نَحنُ نَرزُقُکُم وَاِیّاهُم یعنی اولاد

خودتان را از جهت ترس یعنی از فقر و فاقه نکشید چنانکه ما بشما روزی
میدهیم برایشان نیز روزی خواهیم داد وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ
مِنْهَا وَمَا بَطَنَ یعنی بر فواحش البته نزدیک مشوید چه فواحش
ظاهره باشد وچه در باطن بوده باشد از زنا و لواط وقمار وشراب
خوردن و در این آیه از جمیع زشتیها و بدیها نهی کرده و بلکه از نزدیک
شدن باینها منع نموده یعنی از فواحش کارهای رسوا کننده است در
نزد عقلا و شرعا هرچه باشد در ظاهر و یا در باطن وَلَا تَقْتُلُوا
النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ یعنی هیچ کسی را نکشید که خداوند کشتن
نوع بشر را حرام کرده مگر اینکه بحق باشد شخصی را بکشید مثل قصاص
کردن وحد زدن وامثال اینها بطریق شرع وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا
بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ یعنی بمال یتیم نزدیک مشوید
مگر بآن نحویکه بهتر و خوبتر است نزدیک شدنشما مثل حفظ کردن و
تبدیل باحسن نمودن تا آنکه یتیم بحد رشد برسد و رشید باشد وَأَوْفُوا
الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ یعنی با عدالت رفتار بکنید در کیل کردن و
وزن نمودن اشیاء در وقت فروختن وکم وکسر ندهید لَا نُكَلِّفُ
نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا یعنی تمامی تکالیف دین اسلام بقدر وسعت مردمان
است وزیاده بر وسعت هیچکس بر او تکلیف نمیکنیم وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا

وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى وَبِعَهْدِ اللّٰهِ اَوْفُوا یعنی در وقت حکم کردن و مرافعه
نمودن و چیزی در حق کسی گفتن بعدالت رفتار نمائید هرچند بر آن
کس صاحب قرابت باشد بشما و بر عهد و پیمان خداوند وفا بکنید و آن
عهدیکه خداوند از شما بندگان گرفته بر آن وفا نمائید و آن عهد مثل
این آیه است اَلَمْ یُؤْخَذْ عَلَیْهِمْ مِیثَاقُ الْکِتَابِ اَنْ لَا یَقُولُوا عَلَی اللّٰهِ اِلَّا
الْحَقَّ یعنی آیا عهد و پیمان نبسته شده از مردمان در کتاب خداوند
که ایشان در دین خداوند نگویند مگر حکم راستی را و مثل این آیه است
اَلَمْ اَعْهَدْ اِلَیْکُمْ یَا بَنِی آدَمَ اَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّیْطَانَ یعنی آیا من
خداوند با شما ای اولاد آدم عهد نکردم که اشخاص اغواء کننده در دین
و بر شیطان انس و جن را اطاعت نکنید و وفاء بعهد خداوند حق واقع
گوئی است در دین او [illegible] بنص بدین بدلیل این
روایه که ترجمه شد. وَاَنَّ هٰذَا صِرَاطِی مُسْتَقِیمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا
السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِکُمْ عَنْ سَبِیلِهِ یعنی بدرستیکه این آیات قرآن راه
راست و شریعت حق من خداوند است پس شما تابع شوید بقرآن و
براههای دیگر بغیر از قرآن تابع مشوید پس آن راههای دیگر شما را
از راه راست دین خداوند پراکنده میکند و راه را گم میکنید و مثل
این آیات شریفه است آیات سوره بنی اسرائیل در وصیت و سفارش

بر این احکام و چند حکم دیگر در این سوره علاوه فرموده چنانکه میفرماید
وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ یعنی بصاحب قرابت
و خویشان حق ایشانرا بدهی و بمساکین و ابناء سبیل نیز حق خودشانرا
بدهی، و حق اقرباء نزدیکتر واجب النفقه بودن ایشان است و حق مساکین
و ابناء سبیل زکوة است تا اینکه گذران ایشان شود وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا
إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ یعنی مال خود را در کارهای
باطل و در آنچه فائده دینی ندارد صرف مکن و این نحو اشخاص برادران
شیاطین و مثل کسانی هستند که اموال خودشان را در
افعال بیجا خرج میکنند وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ
وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ یعنی دست خود را بگردن خودت نبندی
که هیچ احسان و اعانت بمردمان نکرده باشی و تمام دست خود را
باز نکن که هر چه داشته باشی بمردمان بدهی و خودت محتاج شوی
و بلکه در احسان و انفاق میانه رو باش وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَا إِنَّهُ كَانَ
فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا یعنی نزدیک نشوید بزنا نمودن و بدرستیکه
زناکار رسوا کننده و راه بد و زشت بوده است و در فقیه و خصال
از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله روایت کرده که در زنا شش
خصلتست و سه خصلت آن در دنیا است که آبروی زناکننده را

میبرد و فنای او را نزدیک میکند و روزی او قطع میشود و سه خصلت
زنا در آخرت است که حساب او بد میشود و باعث غضب خداوند
است و سبب مخلد بودن او است در دوزخ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا
فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفْ فِي الْقَتْلِ یعنی هر که بدون
جرم و گناه کشته شود پس ما خداوند از برای ولی او تسلط قرار داده‌ایم
که قاتل میت خود را بکشد پس او نیز در کشتن در عوض میت خود
اسراف نکند و بغیر از قاتل کسی دیگر را نکشد وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ
بِهِ عِلْمٌ یعنی تابع نشوی در چیزی ... آنچه ترا بران علم و یقین نیست
و هرچیز را نمیدانی نگو و آنچه ... علم داری بگو وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ
مَرَحًا یعنی حرکت و رفتار ... بین بوده
باشی در حال تکبر و با کبر ... شو ... در حالت تواضع باشد
و در سوره اعراف فرموده وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ
مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ یعنی حضرت لوط را بقوم او
فرستادیم و او بقوم خود گفت که آیا بفاحشه و فعل زشت و رسوا
کننده که لواط کردن باشد مرتکب میشوید و بر آن کار قبیح قبل از
شما کسی اقدام نکرده از اهل زمین تا اینکه میفرماید وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ
مَطَرًا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ یعنی در جزاء لواط کردن

قوم او برآنها باریدیم باران سنگ و همهٔ آنها را هلاک نمودیم پس
تو نظر بکن بر عاقبت و آخر کار جرم کنندگان را که در دنیا قبل از عذاب
آخرت بر لواط کننده میرسد و اینها را در اعراف فرموده يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ
وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ
یعنی شغل حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله اینست که مردمان را
امر بافعال و اقوال خوب میفرماید و ایشان را نهی میکند از رفتار و گفتار
و کردار بد و زشت و قبیح از جانب خداوند بوحی حلال میفرماید بآنها
اشیاء پاک و پاکیزه را از خوردنیها و آشامیدنیها و پوشیدنی و گفتنی و
شنیدنی و حرام میکند بایشان چیزهای قبیح و خبیث و بد و
زشت را و حلال انحصار بطیبات دارد و حرام بخبیثات و کثافات و قذارات
و مثل نجاسات است در نظر عقلاء و فضلاء و عرفاء و در ظن و گمان
جاهلان و غیر عاقلان در حلال و حرام فرق نیست و طیب و خبیث
یکی است و معروف و منکر تفاوت ندارد ذٰلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا
فَوَيْلٌ لَهُمْ مِنَ النَّارِ و در سورهٔ آل عمران فرموده الَّذِينَ يُنْفِقُونَ
فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ
يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ یعنی اشخاص متقی و پرهیزکار آنکسانند که مال
خود شانرا در زمان آسانی و گرانی بدون تفاوت در راه خداوند

وازبرای رضای او در فقراء و مردمان پریشان احسان واعانت میکنند
و دیگر غیظ و غضب خود را در حق بندگان خداوند فرو مینشانند و
دیگر از مردمان عفو و اغماض مینمایند در وقتیکه از آنها ظلم و ستم و بی ادبی
نسبت بایشان صادر شود و دیگر در حق مردمان نیکوکاری میکنند
و خداوند نیکوکاران را دوست میدارد و این آیهٔ شریفه جامع جمیع مکارم
اخلاق و آداب تمدن و تدین است پس هرکه میخواهد از ادعاکنندگان
تمدن و خوش اخلاقی باشد بر این آیه عمل کند اولاً احوال فقراء و ضعفاء را
در ارزانی و گرانی بدون فرق ملاحظه کند و بایشان اعانت نماید
و در ثانی غیظ و خشم خود را از مردمان فرو برد و ثالثاً از جهت نادانی
و جهل و نافهمی تعاقب نکند و ثالثاً اگر ظلم و ستم از ایشان در حق خود ببیند عفو
کند و بگذرد و رابعاً در حق مردمان با اهل و نااهل کار احسان نماید
و بعد از اینها حق دارد که ادعای تمدن و تدین و خوش اخلاقی کند و تمدن
در این آیه است و خوبی اخلاق در این است و هرکه بر این عمل نماید آنکس
متمدن است و بلکه استاد اهل تمدن خواهد شد و در سورهٔ نحل
فرموده إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ
عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ یعنی خداوند
همیشه امر فرماید بعدالت کردن مردمان بیکدیگر و انصاف کردن در

باره همدیگر و بلکه بالاتر از این عدالت امر میفرماید بر احسان نمودن در حق
یکدیگر و تفضل کردن بمردمان علاوه بر عدل و انصاف و دیگر علاوه بر
اینها در حق اقرباء و خویشان امر میفرماید بعطاء کردن و عطیه دادن و
ما یحتاج ایشان را بآنها رسانیدن از خوراک و پوشاک و نهی و منع و زجر
میکند از سه چیز اولاً از افعال و کردار رسوا کننده مثل خوردن مسکرات
و زنا و لواط و تعدی و ظلم کردن و غیر از آن از سائر منکرات و اعمال
بد و زشت ثانیاً [illegible] هر چند بکه رسوا کننده نشود و قتیکه در نظر
عاقلان و [illegible] نهی میفرماید از تجاوز
کردن بحق کسی [illegible] ناموس و که بر هیچکس
نباید شخصی در باره کسی [illegible] بکند و حق دیگری را ضایع
نماید در مجالس و محافل [illegible] حق را شنیدن و گردن نهادن
و از سخن حق نگذشتن هر که باشد از غنی و فقیر و از عالم و جاهل و از
شهری و دهاتی و خداوند با اینها که امر و نهی فرموده بشما اولاد آدم
موعظه میفرماید شاید که شما هارا یاد بگیرید و یاد داشته باشید و نفع
دنیا و آخرت را جمع بکنید و در این آیه نیز مکارم اخلاق و آداب تمدن و
شرایط تدین جمع است و از اخلاق حسنه و افعال مرغوبه چیزی فروگذار
نکرده و از اعمال قبیحه و رفتار شنیعه چیزی باقی نگذاشته که امر کرده نهی

فرموده تمامی خوبیها و جمیع نیکوکاریها در این آیه است و هر که ادعای تمدن
نماید بر این آیه عمل بکند و هر کس انسانیت را مدعی شود با این آیه رفتار
نماید و بیان هر خیر و شر در این است و هر خشك و تر در این آیه است
و هر امر خوبیها و نهی از بدی و زشتیها در این یك آیه جمع شده پس کجایند
مدعیان تمدن و ادعا کنندگان تدین و نسبت دهندگان انسانیت
بخودشان و امتیاز دادگان خود از دیگران در تمدن و مدعی شدگان اخلاق
حسنه و رفتار مرغوبه در سوره نساء فرموده وَاعْبُدُوا اللّٰهَ وَلَا تُشْرِكُوا
بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ
وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ وَابْنِ السَّبِيلِ
وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ یعنی خداوند را عبادت بکنید و هیچ چیزی را
بخداوند شریك قرار ندهید هوای نفس را اطاعت ننمائید آنکسانیکه مطیع
هوای خودشانند خداوند شناس نیستند و دیگر بر والدین خودتان
نیکوکاری بکنید و نیز بر اقرباء خود و بر یتیمان و بر مسکینان احسان
و اعانت نمائید در خوراك و پوشاك و لوازم زندگانی و دیگر بر
همسایگان نزدیك و بر همسایه دورتر نیکوکاری و احسان نمائید
و بر مصاحب خودتان در سفر و حضر و در صنعت نیکوکار و خوش رفتار
بوده باشید و دیگر بر مسافرین و بزیردستان خودتان اعانت و نیکوکاری

بکنید و در این آیه خداوند امر فرموده بر احسان کردن و اعانت نمودن برادران
اشخاص و غیر از این جماعت یکدیگر از برای اغلب مردمان پیدا نمیشود و اگر
شخصی بر این مردمان احسان و نیکوکاری و اعانت نماید دیگر کسی نیست
که با او بد رفتار و زشت کردار باشد و تمدن و تدین و خوش اخلاقی و
خوب رفتاری و نیکوکاری در عمل بر این آیه است و تمامی بدیها و زشتیها
و وحشی گری در ترک دستور العمل این آیه خواهد شد و باید کسی
با این آیه عمل نماید تا اینکه از جمله اهل تمدن و تدین و خوش خلق و خوش
رفتار و نیکوکردار بوده باشد و در سوره حجرات فرموده یَا أَيُّهَا الَّذِينَ
آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ
عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ
بِئْسَ الِاسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ
یعنی ای آنکسانیکه بخداوند تصدیق دارید استهزاء و استخفاف
نکند یکقومی بر قوم دیگر و نه زنها بر زنان دیگر زیرا که بسا میشود که استهزاء
شوندها از مردان و زنان در واقع در نزد خداوند بهتر و خوبتر باشند
از استهزاء کنندگان و دیگر بعضی از شماها بر بعض دیگر عیب نگیرد و
عیب جوی نکند و دیگر بعضی از مؤمنان دیگران را با لقب بد و بنام
زشت نداء نکند زیرا که زشت است از برای مؤمنان که همدیگر را با

اسم بد بخواند و هر که از این استهزاء و عیب گوئی و نداء یکدیگر بنام بد توبه
نکند پس ایشان از جملهٔ ظلم کنندگان خواهند شد و جزاء ظلم کردن بآنها
خواهد رسید یَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ
الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ
أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ
رَحِيمٌ یعنی ای انکسانیکه خداوند شناس هستید بسیار دوری بکنید
از گمان بد بردن درحق یکدیگر و بدرستیکه بعضی بدگمان کردن درباره
دیگران گناه است و در عیب دیگران جستجو نکنید و غیبت یکدیگرا
ننمائید و غیبت کردن بمنزلهٔ خوردن گوشت میت است آیا
یکی از شما دوست میدارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد پس
شما از خوردن آن تنفر دارید از غیبت کردن هم اجتناب بکنید
زیرا که غیبت مثل خوردن گوشت میت برادر است و پرهیزکاری
کنید و از خداوند بترسید از گمان بد بردن و از جستجو کردن و از
غیبت نمودن و از این اعمال زشت باز گردید و توبه بکنید بدرستیکه
خداوند توبه را قبول میفرماید اگر رجوع بآن گناه نکرده باشند و این
حاصل ترجمهٔ ایه است یَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ
وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ

اَتْقٰیکُمْ اِنَّ اللّٰهَ عَلِیمٌ خَبِیرٌ یعنی ای مردمان روی زمین بدرستیکه شمارا
از یکنفر مرد و یکنفر زن او خلق کردم که حضرت آدم و حوّاء باشند و پدر
و مادر همهٔ شماها یکی است و قرار دادم شمارا شعبها از فارس و ترك
و هند و سند و روس و روم و المان و انگلیس و غیر از اینها از طائفها
و نیز قرار دادم از اولاد حضرت آدم قبیله‌ها که قبائل عربها باشد از برای
اینکه شما همدیگر را بشناسید نه اینکه بر یکدیگر تفاخر و بالاتری نمائید
و همدیگر را از پست بکشید و بعضی شما بعضی دیگر را بد بداند و خود را
از او بهتر و خوبتر داند و بدرستیکه بهتر شما نزد خداوند پرهیزکارتر
شما است و هرکس پرهیزکاری او از همه زیادتر نزد خداوند زیادتر باشد
آنکس در نزد خداوند گرامی‌تر و عزیزتر خواهد شد و خداوند عالم
است بافعال و اقوال شما و اخبار دارد بر باطن و ضمائر شما و ایضًا
در این سوره فرموده اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ اِخْوَةٌ فَاَصْلِحُوا بَیْنَ اَخَوَیْکُمْ وَ
اتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّکُمْ تُرْحَمُونَ یعنی بدرستیکه اشخاص خداوندشناسان
برادران همدیگرند چنانکه در آیه سابقه بیان فرموده که همه از یك
پدر و مادرند پس وقتیکه همهٔ شماها برادر شدید پس در بین برادران
خودتان در فرض وقوع نزاع و تنازع و ترافع اصلاح بکنید و قیل
و قال و جنك و جدال را از میان رفع و دفع نمائید و بر یکدیگر هم

و در مقام ترحم باشید و در اصلاح کردن طرفین کوتاهی نکنید از خداوند
بترسید و پرهیزکار شوید شاید که شما محل ترحم خداوند گردید و حاصل
ترجمه این چهار آیات این بود و در این آیات شریفه خداوند اصل تمدن
و تدین و حسن خلق را بیان کرده که مردان و زنان همدیگر را استهزاء و
استخفاف نکنند و یکدیگر را با القاب بد و زشت نداء ننمایند و نام
بد همدیگر نگذارند و از گمان بد در حق دیگران اجتناب بکنند و عیب
جوئی و غیبت گوئی از یکدیگر ننمایند و همدیگر را برادر و برابر بدانند
و اولاد یک پدر و مادر فرض کنند و در میان خودشان اصلاح و
رفع نزاع نمایند و با صلح و صلاح رفتار [illegible] باشند و از
افعال و اعمال و گفتارهای بد از یکدیگر دوری کنند که شاید
محل ترحم خداوند گردید و در دنیا و آخرت در حفظ خداوند
باشند که حاصل مضمون این آیات شریفه است و تمدن و حسن اخلاق
و خوب گفتاری و رفتاری اینها است و در غیر از آیات سابقه نیست و هر که
متمدن و متدین و خوش اخلاق و بدون نفاق و مشهور در آفاق شده
عمل بر این آیات نموده چه اروپائی باشد و چه ایرانی و اگر فرض شود که
اروپائیان تمدن و حسن خلق دارند پس اینها را از این آیات یاد گرفته اند
و اگر فرضا این آیات را ندیده و نشنیده باشند پس تمدن و حسن اخلاق

وخوش گفتاری وخوب کرداری در اوّل در قرآن بوده ودر دین اسلام
بنا گردیده اروپا در آنها اصل نبوده وکسی نگوید که در اروپا تمدّن
وحسن خلق است وبلکه باید بگوید که اساس تمدّن وحسن خلق وخوب
رفتاری دین اسلام وآیات قرآن است والحاصل هر که مایل تمدّن وبا
تدیّن وبا حسن خلق وخوش کرداری وخوب گفتاری باشد باید از
دین اسلام اخذ کند واز قرآن بهره بگیرد وهر کسیکه وحشیگری وبربری
ودرّندگی وآدم خوری خواسته باشد از دین اسلام واز قرآن واز
فرمایشات پیغمبر آخر الزمان دوری وکناره گیری بکند زیرا که تمدّن
وتدیّن ومهربانی ونیکو حالی با مردمان وخوب کردن بر بیچارگان و
احسان بر بینوایان در دین اسلام ودر قرآن ودر فرمایشات حضرت
امیر المؤمنین است وحال اینکه اروپائیان وادّعای تمدّن کنندگان
اکثر ایشان جلب نفع فقط بخود شان ودفع ضرر از وجود شخص ایشان
است نه اصلاح وصلاح سایر مردمان نه ملاحظهٔ حال فقراء وضعفاء
وبلکه اکثر اروپا وحشی ودرّنده وآدم لخت کننده وکشنده است زیرا
که اغلب اختراعات آنها آدم کشنده وولایات را خراب کننده وبا اسبابهای
زود شکن وخراب شونده مال مردمان را از دست ایشان میبرند و
بیرها بیند ولخت میکنند وبا وجود این اختراعات آدم کش وبرباد دهنده

ولایات از تفنك و توب و تانك و بمب و غیر از اینها و درست کردن
اسباب لوکس زود خراب شده که اموال مردمان نادان را از دست ایشان
با بهانه اخذ میکنند و آنها را از دارائی خودشان لخت مینمایند و هم
جان و هم مال بیچارگان را فانی کرده اند و روی زمین را یك تپهٔ خاك
نموده اند با ادعای تمدن و خوش اخلاقی مینمایند و بر اهل شرق افتخار
میکنند و مردمان نادان را فریب میدهند [illegible] لباس گوسفند گرگ
میشوند و نادان ایرانیان در مرحلهٔ آنها را همیدانند [illegible] روز بروز بر فلاکت
و فریب بهلاکت میباشند و برای [illegible] امتحان میگویند و آنها را
تصدیق میکنند و [illegible] ادعا [illegible] مینمایند و وحشیگری
را تمدن نام کرده اند و [illegible] سبب راحتی عوام
نادان نشان میدهند و مردمان [illegible] وحشی تر از آنها
است و نادان از گاو و خراست و ابداً سود و زیان را ندانسته و خیر و شر
را نفهمیده و گرگ را گوسفند دانسته و شهوت پرستی و خواهش نفسانی
خود را ترقی و تعالی خیال کرده و نظر بر حال دیگران از مردمان و اولاد
خودشان نکرده و آیندهٔ ایران و ایرانیان را ملاحظه ننموده و از صلاح
حال عموم بدون اطلاع بوده و زندگانی را فقط بخودش اختصاص
داده و از خداوند و دین او و آخرت خود با خبر نبوده و همیشه در خواب

غفلت [illegible] و ذلت را از عزت تمیز ندهد و بلکه فلاکت را عزت و هلاکت
ابناء را ترقی و ثروت گمان کرده و این اشخاص در نهایت بی شعوری و تعصب
انها نور و از عقل و دانائی دورند که زبان اهالی را سود و هرچه پیدا
کنند از برای خود مخصوص میدانند و بغیر از وجود خود در خیال برادران و
هموطنان نمیشود و با این گمان فاسد و قلب کاسد خود را متمدن و اهل
تدین خیال میکند و خود را [illegible] اخلاق و علم و دانش نسبت میدهد
و نمیداند که تمدن و حسن اخلاق باید از آیات قران که ذکر شد اخذ
شود و دستور العمل تمدن از عمل باحکام قران باید باشد
و بمجرد ادعای تمدن و تدین و [illegible] متمدن و متدین و صاحب
اخلاق خوب نمیشود [illegible] عالم نخواهد شد و در سوره
نساء فرموده الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَى النِّساءِ بِما فَضَّلَ اللهُ بَعْضَهُمْ
عَلى بَعْضٍ وَبِما اَنْفَقُوا مِنْ اَمْوالِهِمْ فَالصّالِحاتُ قانِتاتٌ حافِظاتٌ
لِلْغَيْبِ بِما حَفِظَ اللهُ و حاصل ترجمه این اینست که مردان کارگذاران
و قیام کنندگانند بزنان مثل قیام کردن حاکمان بامور رعیت خودشان
بسبب آنچه خداوند فضیلت داده مردان را بزنان از جهت کمال عقل در
مردان و امتیاز ایشان بآنها و بسبب آنچه مردان انفاق میکنند بزنان
از مال خودشان با مهر دادن و کسوه و نفقه عطا کردن بزنان و

علاوه زیادتی مردان بر زنان دو چیز است یکی آنکه کمال عقل مردان است
نسبت بانها و دیگری عارضی که انفاق مرد است بر زن خود پس زنان
صالحه و شایسته اطاعت کنندگانند بمردان و شوهران خودشان
و حفظ نمایندگانند غیبت باطن را که عرض و ناموس خودشان و اموال
شوهر خودشان است از جهت حفظ کردن خداوند انها را و در این آیه
که یکی از احکام قران است مردان را بر زنان فضیلت داده از جهة ذاتی
و عرضی و بدنی و خارجی و انفاق کردن مالهای خود ایشان و زنان
صالحه را مدح کرده که انها اطاعت شوهران خودشان را مینمایند و
نفس خودشان و اموال شوهران را [illegible] حفظ میکنند
و از واضحات است که زن در [illegible] در جمیع حال مثل
مرد نیست پس باید مرد بر زن [illegible] نباید زن مثل مرد
در حرکات و سکنات بوده باشد و در اینجا چند حدیث از کتاب شهاب در
باره زنان ذکر شود که در میان سنی و شیعی احادیث صحیح است حضرت
رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده که زنها شبکه ابلیس است چنانکه
با شبکه صیاد مرغ را شکار میکند ابلیس نیز مردان را بسبب وجود زنها
شکار میکند و ایضا فرموده زن صالحه در زنان مثل کلاغ اعصم
است که بالهای ان سفید و بدن ان سیاه باشد و فرموده هر زنیکه از

شوهرش طلاق بخواهد و با شوهر خود بدون سبب سازش نکند بوی
جنت باو حرام است و بهتر اینکه بر تزویج شوهر فاسق راضی شود ان زن
مثل ان شوهر فاسقه است و بدکار است و دروغ گفتن مرد بر زن خود
خوبست و لباس طلاباف و حریر بر مردان حرام و بر زنها حلال است و زنها
خودشان را از بیحیائی نگاهداری نمایند بیاد دادن سورهٔ نور بآنها
که ایات عفت و حجاب [illegible] باشد و بر زنها باید بدهید ریستن
پنبه و پشم را و نوشتن را بر انها یاد ندهید [illegible] اطاعت زنها پشیمانی
دارد و اگر زنها [illegible] باشد [illegible] بانها [illegible] نیت عبادت میشود
بخداوند و فرموده [illegible] خویش از ایمان است و
غیرت زن که شوهر [illegible] است و از برای زنها نماز جمعه
و جماعة و اذان و اقامه [illegible] کردن در بین صفا و مروه
و جهاد نمودن و بوسیدن حجر اسود و قضاوت و مرافعه کردن و سر تراشیدن
نیست و هیچ قومی رستگار نمیشود در صورتیکه زنی بانها رئیس باشد
و ریاست بکند و بهتر اینکه بخودش زینت نماید و لباس خوب بپوشد و
از خانه بیرون رود تا اینکه مرد نامحرم باو نظر بکند ملائکه اسمانها
و زمینها باو لعنت میکنند و در غضب خداوند میشود تا بمیرد و یا
توبه کند و بخداوند پناه ببرید از شر زنهای شریره و از زنان خوب در

حذر باشید و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه فرمود که پرهیز
بکن از مشورت کردن با زنها زیرا که فکر آنها ناقص و قصد آنها سست
است و چشمهای زنها را بپوشان در پس پرده نشاندن تو او را که کسی را
نه بیند و شدت حجاب برای آنها خوبتر است و بمنزل خود داخل مکن کسی را
که زنها و تو از آنکس خاطر جمع نباشد و اگر قدرت داشته باشی که زن
تو بغیر از تو را نشناسد پس بکن و باید تا آن نگردانی زن را از کار زنان
آنچه را که تجاوز کند از امور آن غیر از امور خودش و باید دانست که زن
ریحانه است که محل لذت بردن است نه قهرمانه است نه کارفرما باشد
و او را بطمع مینداز تا اینکه شفاعت کند از برای غیر خودش از زنیان
و آشنایان و از امثال این اخبار در مذمت زنان از حضرت و حضرات
ائمه علیهم السلام بسیار است و ترک ذکر همه آنها در اینجا کافی است
و از همه این احادیث و آیه شریفه معلوم شد که زن مثل مرد نیست و
زن و خلقت او غیر از مرد و خلقت او است و عقل زن کوتاهتر و هنر
او و دوام او کمتر است از مرد و وجدانا واضح است که ساختمان زنان
و حالات ایشان غیر از مردان و مخالف مردان شده و مرد ریش دارد و
چیزهای دیگر دارد و زن آنها را ندارد و مرد زراعت و صناعت و بنائی
و معماری و آهنگری و نجاری و بیلداری و سائر حرفتهای شدیده و

اعمال شاقّه را دارد و زنان عهده دار آنها نمیتوانند بشوند و کارهای زنانه را
کردن و پرستاری نمودن و پختن و دوختن و بافتن پنبه و پشم است پس
آنکسانیکه زنرا با مرد برابر خیال میکنند عقل آنها مثل عقل زن است
و کسیکه راضی میشود که زنان با مردان در مجالس و صنایع دوش بدوش
شوند شعور او مثل شعور زنان بوده و کسانیکه مایلند که زنان
خودسر باشند و از نامحرم پرهیز نکنند با نامحرمان مثل شوهرش و
برادران خودش رفتار بکنند و در مجلس نشستن و گردش کردن
و آمد و شد نمودن فهم ایشان مثل فهم زنان شده و از کمال عقل
دور افتاده و از شعور بیرون بروند و کسانیکه خیال او لذت
بردن و شهوت رانی کردن است از زنان دیگران و با اینکه کورکورانه
تقلید است باروپائیان را اینکه در وجود او رگ مردی و غیرتمندی
ندارد و مثل بعض اشخاص بدون حمیت و غیرت راضی میشود که زن
و خواهر و دختر او را جوانان دیگر و نامحرمان ببینند و از آنها لذت
ببرند و با آنها شهوت رانی بکنند و این خیالات از تمدن و تدین
و دین و آیین و از حسن اخلاق دور و خارج از شعور و خلق شخص
باطن کور است و زنان با حمیت و با غیرت و صاحب حیاء و عفت و
اهل نجابت و طهارت بر این کارها راضی نمیشوند و از نامحرم حذر

میکنند و با بیگانگان هم صحبت و الفت و همنشین و هم گردش نمیباشند
و سر و صورت و زینت خودشان را بدیگران نشان نمیدهند و محرم
خود را با نامحرم برابر نمیکنند و زن و خواهر و دختر شخص مثل عورتین
او است که نباید عورتین او را نامحرم دیده باشد و از عورتین او دیگری
لذت ببرد و کس با حیا چگونه راضی میشود که عورتین او را هر کس ببیند
و زن با غیرت چطور راضی شود که زینت [illegible] و سر و گردن و سینه
او را هر کس ناکس مثل کور [illegible] باشد و حال اینکه آن [illegible] و آن
جمال و زینت مختص شوهرش بوده [illegible]
جهت لذت بردن زوج خود [illegible]
طمع میکنند و از زنان ایشان [illegible] صورت آنها نگاه
مینماید و بر لقمهٔ دیگران [illegible] خورده [illegible]
میخورد و حرام در مردانه مثل شیر نمیشود که ابداً نیم خورده هیچ حیوانی را
نمیخورد و بر لقمهٔ دیگران شریک نمیشود و بالجمله آنکسیکه زنان را سر
برهنه و صورت گشاده میخواهد یا غیرت ندارد و یا خیال دارد از زنها
مردان و مردانگان استفاده کند و از آنها اخذ لذت نماید و شهوت
رانی خود را در نظر کردن بزنان دیگران باتمام رساند و یا اینکه آن
بیوانانند که زن ندارند تا اینکه غیرت زن خود را ملاحظه کنند که اینها

است و در اغلب بلاد از اد بخواه زنان اینها بند و از این اشخاص بسیار
غلط بازی و دغلکاری است و مثل اینها مثل آنکس است که یکدینار ندارد
و برزنان میگوید که بیائید هر که هرچه دارد بر این مطرب و دف زننده
بدهد و از واضحات است که این سخن از آن شخص لغو و هذیان و سرسام
است و این غلط از آن کس بسیار قباحت ندارد که ثروت و املاك و اموال
داشته باشد نه از کسیکه هیچ ندارد یعنی اهل اموال هر زنان عوام را
بدون زن بدهند و خویش شهوت رانی بکنند این سخن از این شخص ضد
تمدّن و محض بداخلاقی است و از کس اگر تمدّن و تدیّن و اخلاق خوب
دارد اوّلا باید بیك زن عفیفه قناعت نماید زنان فاملیه مثل فامل
خودش باشد و با [illegible] بلکه قدرت عقد کردن یك
نفر زن را داشته باشد اقدام بیك زن دیگر نکند از تمدّن و تدیّن دور
و چشم بصیرت او کور است چنانکه در کتاب شهاب از حضرت رسول الله صلّی
الله علیه و آله روایت کرده که فرموده تزویج بکن و الّا از برادران شیطان
میشوی و تزویج بکن و الّا از راهبان نصاری میشوی و تزویج بکن
زیرا که در تزویج کردن برکت است و عفّت تو در عفّت زن تو است
و اختیار بکنید از برای نطفه خودتان محل خوب و زن عفیفه را
زیرا و فرموده ارذل مردگان شما آنکسانند که زن نداشته باشند

در حدیث کافی فرموده که هر که تزویج بکند نصف دین خود را حفظ
کرده و بعد از تزویج کردن باید کس متمدن و اهل تدین حمیت و غیرت
داشته باشد و چشم خود را بر زن خود اندازد و از زنان دیگران اعراض
و چشم پوشی نماید و تمدن و حسن اخلاق و تدین در این است نه در
دغلکاری و فاحشه بازی و لواطگری و لوطی کاری زیرا که رسوا
کردن پسران و دختران و زنان دیگران و دست درازی بعرض و ناموس
مردمان از تمدن و حسن اخلاق بسیار دور است و بلکه محض وحشی
گری است و خراب کردن تمدن و تدین و ضایع نمودن اخلاق
و بدخلق شدن و فریب دادن اولاد مردمان و فریفته کردن پسران
و زنان و دختران عوام و نادان است و شخص متمدن و حسن خلق
بمردمان نادان تعلیم خوب رفتاری و نیکو کرداری و حفظ عرض
و ناموس دیگران میکند نه اینکه خودش ناموس شکن و عرض بر باد
دهنده میشود واگر کسی بگوید که در آزادی زنان ترقی مملکت و
ملت و دولت است پس در جواب گفته میشود که اولاً آنکسانیکه این
سخن را میگوید مملکت و دولتخواه نیستند و بلکه خودخواه و هوی خواه
و شهوت خواه و خودپرست و هوی و شهوت پرست است و در خیال ترقی
دولت و مملکت نبوده و اگر ترقی میخواهد و دولت و مملکت را دوست

مبادرت ثروتی که دارد در راه آسایش مردمان در راهها وکوهها
ودرست کردن آنها صرف بکند ودر اخراج معادن خرج نماید و
بعد از این یك اختراع بکند که مردمان آسوده شوند مثل اختراع
اروپائیان وماشین فراهم سازد که فقرآء بآسایش برسند وصنایع
دستی تبدیل بماشین بشود وثانیاً در زمان خلفاء وسلاطین بنی
امیّه وبنی عبّاس ودر زمان سلاطین صفّاریان وسامانیان و
در سلطنت صفویه وافشاریه در ایران حجاب بوده وزنها آزاد
نبوده وترقیات دولت ومملکت زیادتر از اروپا بود واهل اروپا
بدون حجاب وزنها آزاد بودند وآن روزیکه اهالی ایران
بر اروپائیان تقلید کردند وهوی پرستی وشهوترانی شدند سال
بسال ایرانیان تنزل کردند وپس رفتند وثروت وقدرت ایشان
از دست رفت وصادرات کمتر وواردات زیادتر ومخارج بیشتر
ودخل اندکتر گردید وثالثاً ترقی دولت ومملکت موقوفست بر
جدّیت مردان وهمت وحمیّت مردانگان وزیادتی صناعات وزراعات
واقسام فلاحات وزیاده شدن صادرات واندك بودن واردات
نه بدون حجاب گردیدن زنان وآزاد شدن نسوان وبیحیائی دختران
ودغلگری جوانان وهوی پرستی وشهوترانی مردمان وتنبل

بودن ایشان وتقلید اروپائیان ورابعاً دانایان اروپا وفلاسفه
وحکما وپرفسورهای آنها شکایتها وفریادها وحسرتها از آزادی
زنان وبدون حجاب بودن آنان ومخلوط شدن مردان با زنان و
نسوان با نامحرمان دارند چنانکه در کتاب بانوی اسلام ودر مجلات
خودشان بیان کرده اند هرکه حقیقت کلام را طالبست رجوع بآنها
نماید تا بداند وخامساً با [illegible] آزادی زنان وبیحجاب بودن ایشان
ودیدن مردان زنها را در هر محل ومیدان در اروپا وامریکا طلاق
وافتراق ودر بین زن وشوهر [illegible] وشقاق [illegible] از ایران واقع
میشود چنانکه در بانوی اسلام ودر کتاب [illegible] دانشمند ایران
وفیلسوف هنرمند آقای [illegible] بیان کرده اند پس نباید کورکورانه
تقلید اروپائیان نمود وهمه عادات آنها را خوب شمرد که از تمدن و
تدین واز دولتخواهی ومملکت دوستی دور وخارج از حسن اخلاق
وشعور است وشخص متمدن ومتدین باید در همه چیز ودر جمیع افعال
تابع خارجه وپیروی بیگانه نباشد وصلاح دولت ومملکت وملت را
ملاحظه بکند وبعد از آن سخن بگوید وادعاء تمدن وحسن اخلاق
نماید با معصیت کردن وعصیان نمودن بخداوند عالمیان ومتمدن
وخوش اخلاق انکس است که از گناهان وخصوصاً از کبائر آنها

اجتناب نماید و با اخلاق نکند زیرا که مرتکب شوند هر گناهان کبیره
تمدن و تدین ندارد و بد اخلاق و خلاق او بد تر است و با تمدن و
حسن اخلاق ضد و دشمن است و در سوره نساء فرموده اِنْ تَجْتَنِبُوا
كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلاً
كَرِيمًا یعنی اگر شما هر آینه دوری بکنید از کبائر و بزرگ گناهان
که شما را از اقدام [illegible] نهی شده ایم گناهان صغیره و کوچک
شما را میپوشانیم و در خصوص [illegible] گرده نمیشود و در عوض
اجتناب از [illegible] در دنیا و در آخرت
و در این آیه اجتناب از [illegible] فرموده و در حق دوری
کنندگان از [illegible] و در سوره نجم فرموده اَلَّذِينَ
يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ
الْمَغْفِرَةِ یعنی آنکسانیکه دوری میکنند از گناهان کبیره و آن
رسوا کننده است مثل زنا و لواط و قمار مگر صغائر گناهان پس
خداوند تو صاحب بخشایش با وسعت است که صغیره ها را عفو فرماید
و در کافی و فقیه در حدیث صحیح روایت کرده اند که عمرو بن عبید
وارد شد بحضور حضرت صادق علیه السلام و این آیه را قرائت کرد و ساکت
شد آنحضرت فرمود چرا ساکت شدی عرض کرد میخواهم کبائر گناهان را

زقران بانام فرموبلی بزرگ گناهان شریک قرار دادن بخداوند است
زیراکه فرموده وَمَن یُشرِک بِاللهِ فَقَد حَرَّمَ اللهُ عَلَیهِ الجَنَّةَ و بعد آن
مایوس شدن از رحمت خداوند زیراکه فرموده اِنَّهُ لا یَیأسُ مِن رَوحِ اللهِ
اِلَّا القَومُ الکافِرُونَ و خاطرجمع بودن از عذاب و غضب خداوند زیراکه
فرموده فَلا یَأمَنُ مَکرَ اللهِ اِلَّا القَومُ الخاسِرُونَ و عقوق الوالدین یعنی خشم
اینکه خداوند عاق والدین را در قرآن جبار شقی قرار داده و قتل نفس
بدون حق زیراکه فرموده فَجَزاؤُهُ جَهَنَّمُ خالِداً فیها و نسبت زنا دادن به
زن و مرد با عفت زیراکه فرموده لُعِنُوا فِی الدُّنیا وَالآخِرَةِ وَلَهُم عَذابٌ
عَظیمٌ و خوردن مال یتیم بناحق زیراکه فرموده اِنَّما یَأکُلُونَ فی بُطُونِهِم ناراً
و از جهاد و جنگ دشمنان گریختن زیراکه فرموده فَقَد باءَ بِغَضَبٍ مِنَ
اللهِ وَمَأواهُ جَهَنَّمُ و خوردن ربا زیراکه فرموده اَلَّذینَ یَأکُلُونَ الرِّبا لا
یَقُومُونَ اِلَّا کَما یَقُومُ الَّذی یَتَخَبَّطُهُ الشَّیطانُ مِنَ المَسِّ و سحر کردن
زیراکه فرموده وَلَقَد عَلِمُوا لَمَنِ اشتَراهُ ما لَهُ فِی الآخِرَةِ مِن خَلاقٍ و زنا
کردن زیراکه فرموده وَمَن یَفعَل ذلِکَ یَلقَ اَثاماً یُضاعَف لَهُ العَذابُ
یَومَ القِیامَةِ وَیَخلُد فیهِ مُهاناً و قسم دروغ یاد کردن از برای خوردن
مال کسی و عهد خداوند را شکستن زیراکه فرموده اَلَّذینَ یَشتَرُونَ
بِعَهدِ اللهِ وَاَیمانِهِم ثَمَناً قَلیلاً اُولئِکَ لا خَلاقَ لَهُم فِی الآخِرَةِ

و دزدی کردن از بیت المال مسلمین زیرا که فرموده وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ
الْقِيٰمَةِ و ندادن زکوة واجب از جهة اینکه فرموده فَتُكْوٰى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ
وَظُهُورُهُمْ و شهادت دروغ و کتمان شهادت هر دو زیرا که فرموده وَمَنْ يَكْتُمْهَا
فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ و خوردن مسکرات زیرا که خداوند نهی فرموده از انها
چنانکه نهی فرموده از عبادت کردن بتها یعنی در فرمایش خودش إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ
وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ و ترک کردن نماز
عمدًا و یا ترک چیزی از آنچه خداوند واجب کرده در قران زیرا که حضرت رسول
الله صلی الله علیه و آله فرموده هر که نماز را ترک کند باعمد و قصد پس انکس
بری شده از خدا و از ذمه پیغمبر او و قطع رحم یعنی صلهٔ ارحام را ترک کردن زیرا
که فرموده أُولٰئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ و بعد از آن عمرو بن عبید
از حضور انحضرت بیرون شد و میگفت هلاک شده انکسیکه در دین خداوند
با رای خود چیزی گفته و با کسیکه با شما در فضل و علم نزاع کرده و از فرمایش
انحضرت که فرموده یا ترک چیزی از آنچه خداوند واجب کرده معلوم میشود که ترک هر
یکی از واجبات قران گناه کبیره است و انچه در بعض احادیث وارد شده که آنها
هفت است پس مراد از آن هفت اکبر کبائر است چنانکه در کافی روایت کرده که
اکبر کبائر شریك قرار دادنست بخداوند و در تهذیب از ابو صامت روایت کرده که
حضرت صادق علیه السلام فرموده که اکبر کبائر هفت است بخداوند شریك قرار دادن

وقتل نفس بدون حق وخوردن مال یتیم وعاق والدین ونسبت زنا ولواط
بصاحبان عفت واز جهاد فرار کردن وانکار نمودن انچه خداوند در قران
نازل فرموده ودر کافی از زراره روایت نموده که حضرت باقر علیه السلام فرموده که همه
گناهان شدید است واشد انها ان گناه است که از آن گوشت وخون روییده
شود زیرا که گناهکار یا از او عفو خواهد شد ویا بر او عذاب خواهد گردید
وجنت محل پاک وپاکیزه است وداخل نمیشود بر آن مگر جسد پاک از گوشت
وخون حرام ودر روایة فرموده راه زنگاه که از آن گوشت حرام روییده خوردن
مال یتیم وربا ومسکرات است ویا اصرار کردن بیان گناه است که در اثر مدت
گوشت وخون در بدن روییده باشد مگر انکه بخورد حرام نباشد تمام
شد فرمایش انحضرت واز این حدیث ظاهر میشود که هرگاه گوشت حرام باشد
یا صاحب ان در عذاب خواهد شد یا از او عفو خواهد گردید در فرض عفو
شدن باز داخل جنت نخواهد شد زیرا که در بدن او گوشت حرام روییده وگوشت
حرام لایق جنت نیست واز همه احادیث ظاهر میشود که ترک واجبات ومرتکب شدن
بر محرمات از گناهان کبیره است واکبر انها هفت است که اکبر کبائر است واما گناهان
صغیره که در ایه سوره نساء بر انها سیئات ودر ایه سوره نجم بر انها لمم اطلاق وتعبیر شده
پس انها منحصر است بمکروهات که در احادیث از انها نهی گردیده نه اینکه مراد از کبائر
وصغائر بالنسبه باشد چنانکه بعض علماء فرموده زیرا که لازم میاید بر بدن دست

پای یکنفر گناه صغیره شود نسبت بقتل او وآن صغیره نیز عفو شده باشد بنا بوعده
خداوند در آیات ولازم میشود بوسیدن زن دیگری ونشستن در میان رانهای زن
نامحرم صغیره شود نسبت بزنا کردن با او وآن نیز عفو شود واین طور نیست وآن
واضحاتست که این را احدی از علماء قائل نشده واما علت حرمت کبائر وفواحش
پس از جهة این است که مرتکب شونده بر آنها یا بحقوق خداوند تجاوز وتعدی
میکند وکفران نعمت خالق وبنده بودن خود را انکار مینماید ویا اینکه بحقوق
مخلوق واشخاص دیگر تعدی ودست درازی میکند وحق کسیرا ضایع وباطل
مینماید وهر قسم از این گناهان با تمدن وتدین وحسن خلق وخوش رفتاری
منافات دارد وضد است وهر فعلیکه وکرداریکه منافی تمدن وحسن اخلاق
باشد در شرع انور حرام وباعث عذاب وعقاب وعتاب بر شخص متمدن وصاحب
اخلاق خوب واوصاف مرغوب باید از این دو نوع گناهان پرهیز وحذر واجتناب
ودوری نماید والا متمدن ومتدین وحسن خلق نمیشود وصاحب شرع
مقدس از این کبائر نهی فرموده تا اینکه مردمان تمدن وحسن خلق داشته
باشند وبدون اجتناب از اینها حسن خلق وتمدن نمیشود * وتمام شد در عصر
ششم از روز ششم از دهه سیم از ماه ششم از سال دویم از عشره ششم از صد
چهارم از هزار دویم از هجرت نبوی صلی الله علیه وآله وسلم * نویسنده کتاب
شریف طاهر خوشنویس ابن المرحوم الحاج عبد الرحمن غفر الله ذنوبهما فی سنه ۱۳۵۲

در مطبعه علمیه باهتمام آقا اسماعیل ولد مرحوم مشهدی آقا مطبعه چی طبع گردید
۱۳۵۳

٢٩٧/١
٠١
ع
٥١٣
/
١٣٥٣